

کتاب اول تواریخ ایام

از آدم تا ابراهیم

آدم، شیث آنوش،

قینان مهلتیل یارد،

خنوخ متوشالک،

نوح سام یافث.

۵ پسران یافث: جومر و ماجوج و مادای و یاوان و ماشک و تیراس.

۶ و پسران جومر: آشکاز و ریفات و تجرمه.

۷ و پسران یاوان: الیشه و ترشیش و کتیم و دودانیم.

۸ و پسران حام: کوش و مصرایم و فوت و کنعان.

۹ و پسران کوش: سبا و حویله و سبتا و رعمو و سبتکا. و پسران رعمو: شبا و ددان.

۱۰ و کوش، نمرود را آورد، و او به جبار شدن در جهان شروع نمود.

۱۱ و مصرایم، لودیم و عنامیم و لهایم و نفتوحیم را آورد،

و قتر و سیم و کسلو حیم را که فلسیم و گفتوریم از ایشان پدید آمدند.

۱۳ و کنعان نخست زاده خود، صیدون و حیت را آورد،

و بیوسی و اموری و جر جاشی،

و حوی و عرقی و سینی،

و اروادی و صماری و حماقی را.

۱۷ پسران سام: عیلام و آشور و آرفکشاد و لود و آرام و عوص و حول و جاتر و ماشک.

۱۸ و آرفکشاد، شالخ را آورد و شالخ، عابر را آورد.

۱۹ و برای عابر، دو پسر متولد شدند که یکی را فالج نام بود زیرا در ایام وی زمین منقسم شد و اسم برادرش یقطان بود.

۲۰ و یقطان، الموداد و شالف و حصر موت و یارح را آورد؛

و هدرام و اوزال و دقله،

و ایبال و ایمایل و شبا،

و اوفیر و حویله و یوباب را که جمیع اینها پسران یقطان بودند.

۲۴ سام، آرفکشاد صالح،

عابر فالج رعو،

سروج ناخور تارح،

آبرام که همان ابراهیم باشد.

۲۸ پسران ابراهیم: اسحاق و اسماعیل.

۲۹ این است پیدایش ایشان: نخستزاده اسماعیل: نبیوت و قیدار و ادبئیل و مبسام،

و مشماع و دومه و مساوحد و تیما،

و بطور و نافیش و قدمه که اینان پسران اسماعیل بودند.

۳۲ و پسران قطور که متعه ابراهیم بود، پس اوزمران و یقشان و مدان و مدیان و شباق

و شو حارازا پید و پسران یقشان: شبا و ددان بودند.

۳۳ و پسران مدیان عیفه و عیفر و خنوخ و آیداع و الدعه بودند. پس جمیع اینها پسران

قطور بودند.

۳۴ و ابراهیم اسحاق را آورد؛ و پسران اسحاق عیسو و اسرائیل بودند.

۳۵ و پسران عیسو: لیفاز و رعوئیل و یعوش و یعلام و قورح.

۳۶ پسران لیفاز: تیمان و اومار و صفی و جعتام و قناز و تمناع و عمالیق.

- ۳۷ پسران رَعُوئیل: نَحْت و زَارِح و شَمَّه و مَرَّه
 و پسران سَعِیر: لُوطان و شُوبال و صِبْعون و عَنه و دِیشون و اِیصر و دِیشان.
- ۳۹ و پسران لُوطان: حورِی و هُوام و خواهر لُوطان تَمْناع.
- ۴۰ پسران شُوبال: عَلیان و مَناحَت و عِیبال و شَفِی و اُونام و پسران صِبْعون: اَیه و عَنه.
- ۴۱ و پسران عَنه: دِیشون و پسران دِیشون: حَمران و اِشبان و یتران و کَران.
- ۴۲ پسران اِیصر: بِلهان و زَعوان و یَعقان و پسران دِیشان: عوص و اَران.
- ۴۳ و پادشاهانی که در زمین اَدوم سلطنت نمودند، پیش از آنکه پادشاهی بر بنی اسرائیل سلطنت کنند، اینانند: بَالع بن بَعور و اسم شهر او دِنه اَیه بود.
- ۴۴ و بَالع مُرد و یوباب بن زَارِح از بَصْرَه به جایش پادشاه شد.
- ۴۵ و یوباب مُرد و حوشام از زمین تیمانی به جایش سلطنت نمود.
- ۴۶ و حوشام مُرد و هَدَد بن بَدَد که مدیان را در زمین موآب شکست داد در جایش پادشاه شد و اسم شهرش عَویت بود
- و هَدَد مُرد و سَمَلَه از مَسْرِیقَه به جایش پادشاه شد.
- ۴۸ و سَمَلَه مُرد و شَاوَل از رَحُوبوت نهر به جایش پادشاه شد.
- ۴۹ و شَاوَل مُرد و یَعْل حانان بن عکبوره به جایش پادشاه شد.
- ۵۰ و یَعْل حانان مُرد و هَدَد به جایش پادشاه شد؛ و اسم شهرش فاعی و اسم زنش مَهِطَبائیل دختر مَطَر دَد ختر می ذَهَب بود.
- ۵۱ و هَدَد مُرد و امیران اَدوم امیر تَمْناع و امیر اَیه و امیر یتیت بودند.
- ۵۲ و امیر اَهلِیامَه و امیر اَیله و امیر فِینون؛
 و امیر قَناز و امیر تیمان و امیر مبصار؛
 و امیر مَجْدِ یثیل و امیر عیرام؛ اینان امیران اَدوم بودند.

اسرائیل پسران

- پسران اسرائیل اینانند: رؤبین وشمعون و لاوی و یهودا و یساکار و یولون و دان و یوسف و بنیامین و نفتالی و جاد و آشیر.
- ۳ پسران یهودا: عیر و اوان و شیله؛ این سه نفر از تنشوع کنعانیه برای او زاییده شدند؛ و عیر نخست زاده یهودا به نظر خداوند شریب بود؛ پس او را کُشت.
- ۴ و عروس وی تامار فارص و زارح را برای وی زایید، و همه پسران یهودا پنج نفر بودند.
- ۵ و پسران فارص: حصرون و حامول.
- ۶ و پسران زارح: زمري و ایتان و هیمان و کلکول و دارع که همگی ایشان پنج نفر بودند.
- ۷ و از پسران گرمی، عا کار مضطرب کننده اسرائیل بود که در باره چیز حرام خیانت ورزید.
- ۸ و پسر ایتان: عزریا بود.
- ۹ و پسران حصرون که برای وی زاییده شدند، یرحمئیل و رام و کلبای.
- ۱۰ و رام عمیناداب را آورد و عمیناداب نحشون را آورد که رئیس بنی یهودا بود.
- ۱۱ و نحشون سلهار را آورد و سلهار عزرا را آورد.
- ۱۲ و بوعز عوبید را آورد و عوبید یسی را آورد.
- ۱۳ یسی نخست زاده خویش الیاب را آورد، و دومین ایناداب را، و سومین شعی را، و چهارمین نثنیل را و پنجمین ردای را، و ششمین اوصم را و هفتمین داود را آورد.
- ۱۴ و خواهران ایشان صروه و ایجایل بودند. و پسران صروه، آبشای و یوآب و عسائیل، سه نفر بودند.
- ۱۵ و ایجایل عماسار را زاید و پدر عماسایتیر اسماعیلی بود.

- ۱۸ و کالیب بن حَصْرُون از زن خود عَزْرُوبَه و از یرِیعُوت اولاد به هم رسانید و پسران وی اینانند: یاشر و شوباب و آردُون.
- ۱۹ و عَزْرُوبَه مُرد و کالیب افرات را به زنی گرفت و او حور را برای وی زایید.
- ۲۰ و حور، اُوری را آورد و اُوری بصلئیل را آورد.
- ۲۱ و بعد از آن، حَصْرُون به دختر ما کیر پدر جلعاد درآمده، او را به زنی گرفت حینی که شصت ساله بود و او سَجُوب را برای وی زایید.
- ۲۲ و سَجُوب یائیر را آورد و او بیست و سه شهر در زمین جلعاد داشت.
- ۲۳ و او جشور و آرام را که حوُوب یائیر باشد، باقنات و دهات آنها که شصت شهر بود، از ایشان گرفت و جمیع اینها از آن بنی ما کیر پدر جلعاد بودند.
- ۲۴ و بعد از آنکه حَصْرُون در کالیب افراته وفات یافت، آیه زن حَصْرُون اشُور پدر تقُوع را برای وی زایید.
- ۲۵ و پسران یرحمئیل نخست زاده حَصْرُون نخست زاده اش: رام و یونَه و اُورن و اُوصم و آخیا بودند.
- ۲۶ و یرحمئیل را زن دیگر مسمّاء به عطاره بود که مادر اُونام باشد.
- ۲۷ و پسران رام نخست زاده یرحمئیل معص و یامین و عاقر بودند.
- ۲۸ و پسران اُونام: شَمّای و یاداع بودند، و پسران شَمّای ناداب و ایشور.
- ۲۹ و اسم زن ایشور ایشیل بود و او احبان و مولید را برای وی زایید.
- ۳۰ ناداب سَلد و افاّیم بودند و سَلد بی اولاد مُرد.
- ۳۱ و بنی افاّیم یسعی و بنی یسعی شیشان و بنی شیشان اَحلاّی.
- ۳۲ و پسران یاداع برادر شَمّای یتر و یوناتان؛ و یتری اولاد مُرد.
- ۳۳ و پسران یوناتان: فالت و زازا. اینها پسران یرحمئیل بودند.

- ۳۴ و شیشان را پسری نبود لیکن دختران داشت و شیشان را غلامی مصری بود که یرحاع نام داشت.
- ۳۵ و شیشان دختر خود را به غلام خویش یرحاع به زنی داد و او عتای را برای وی زاید.
- ۳۶ و عتای ناتان را آورد و ناتان زاباد را آورد.
- ۳۷ و زاباد اقلال را آورد و اقلال عوبید را آورد.
- ۳۸ و عوبید یهورا آورد، یهورا عزر را آورد.
- ۳۹ و عزر را حالص را آورد و حالص العاسه را آورد.
- ۴۰ و العاسه سسمای را آورد و سسمای شلوم را آورد.
- ۴۱ و شلوم یقیمار را آورد و یقیمار الیشمع را آورد.
- ۴۲ و بنی کالیب برادر بر حتمیل نخست زاده اش میشاع که پدر زیف باشد و بنی ماریشه که پدر حبرون باشد بودند.
- ۴۳ و پسران حبرون: قورح و تفوح و راقم و شامع.
- ۴۴ و شامع را حم پدر رقام را آورد و راقم شمای را آورد.
- ۴۵ و پسر شمای ماعثون و ماعون پدر بیت صور بود.
- ۴۶ و عیفه متعه کالیب حاران و موصا و جازیرا زاید و حاران جازیرا آورد.
- ۴۷ و پسران یهدای را جم و یوتام و جیشان و فالت و عیفه و شاعف.
- ۴۸ و معکه متعه کالیب، شابر و تر حنه را زاید.
- ۴۹ و او نیز شاعف، پدر مد منه و شوا، پدر مکبینا پدر جبعارا زاید؛ و دختر کالیب عکسه بود.
- ۵۰ و پسران کالیب بن حور نخست زاده افراته اینانند: شوبال پدر قریه یعاریم، و سلما پدر بیت لحم و حاریف پدر بیت جادر.
- ۵۲ و پسران شوبال پدر قریه یعاریم اینانند: هر واه و نصف منوحوت.

۵۳ و قبایل قریه یعیاریم اینانند: یتریان و فُوتیان و شوماتیان و مشرعیان که از ایشان صارعاتیان و اشطاوولیان پیدا شدند.

۵۴ و بنی سلها بیت لحم و نطوفاتیان و عطروت بیت یوآب و نصف ما نحتیان و صرعیان بودند.

۵۵ و قبایل کاتبانی که در یعیص ساکن بودند، ترعاتیان و شمعاتیان و سوکاتیان بودند. اینان قینیان اند که از حمت پدر بیت ریکاب بیرون آمدند.

پسران داود

و پسران داود که برای او در حبرون زایده شدند، اینانند: نخست زاده اش آمنون از آخینوعم یزرعیلیه؛ و دومین دانیال از ایجیل گرملیه؛

و سومین ابشالوم پسر معکه دختر تلهای پادشاه جشور؛ و چهارمین ادونیا پسر حجیت. ۳ و پنجمین شفتیا از ابیطال و ششمین یترعام از زن او عجله.

۴ این شش برای او در حبرون زایده شدند که در آنجا هفت سال و شش ماه سلطنت نمود و در اورشلیم سی سه سال سلطنت کرد.

۵ و اینها برای وی در اورشلیم زایده شدند: شمعی و شوباب و ناتان و سلیمان. این چهار از بتشوع دختر عمیئیل بودند.

۶ و ییحار و الیشامع و الیفالط.

۷ و نوجه و ناخ و یافیع.

۸ و الشمع و الیاداع و الیفلط که نه نفر باشند.

۹ همه اینها پسران داود بودند سوای پسران متعه ها. و خواهر ایشان تامار بود.

پادشاهان یهودا

و پسر سلیمان، رحبعام و پسر او ابیا و پسر او آسا و پسر او یهو شافاط.

۱۱ و پسر او یورام و پسر او آخزیا و پسر او یوآش.

- ۱۲ وپسراو امصیا وپسراو عزریا وپسراو یوتام.
- ۱۳ وپسراو آحاز وپسراو حزقیایا وپسراو منسی.
- ۱۴ وپسراو آمون وپسراو یوشیا.
- ۱۵ وپسراو یوشیا نخست زاده اش یوحانان و دو مین یهو یاقیم و سومین صدقیایا و چهارمین شلوم.
- ۱۶ وپسراو یهو یاقیم پسراو یکنیا وپسراو صدقیایا.
- ۱۷ وپسراو یکنیا اشیر وپسراو شائتیل.
- ۱۸ وملكیرام و فدایا و شنأ صر و یقمیا و هوشاماع و ندبیا.
- ۱۹ وپسراو فدایا زربابل و شمعی وپسراو زربابل مشلام و حننیا و خواهر ایشان شلومیت بود.
- ۲۰ و حشوبه و اوهل و برخیا و حسدیا و یوشب حسد که پنج نفر باشند.
- ۲۱ وپسراو حننیا فلطیا و اشعیا، بنی رفایا و بنی آرنان و بنی عوبدیا و بنی شگنیا.
- ۲۲ و شگنیا شمعی وپسراو شمعی، حطوش و یجال و بارح و نعی و شافاط که شش باشند.
- ۲۳ وپسراو نعیالیا و یوعینای و حزقیایا و عزریقام که سه باشند.
- ۲۴ و بنی الیوعینای هودایا و الیاشیب و فلا یا و عقوب و یوحانان و دلیاع و عنانی که هفت باشند.

بقیه سبط یهودا

- بنی یهودا: فارص و حصرون و گرمی و حوروشوبال.
- ۲ و رایا بن شوبال یحت را آورد و یحت اخوما یی و لاهدر آورد. اینانند قبایل صرعاتیان.
- ۳ و اینان پسراو پدر عیطام اند: یزرعیل و یشما و یدباش و اسم خواهر ایشان هصلمفونی بود.

۴ فَنُوئِيلُ پدَرِ جَدُّو رُو عَا زَرِ پدَرِ خُوشَه اِي نِه اِ پسران حورِ نَخست زاده اَفْرَا تَه پدَرِ بِيْت لحم بودند.

۵ وَاَشْخُورُ پدَرِ تَقْوَعِ دوزن داشت: حَلا وَنَعْرَه.

۶ وَنَعْرَه، اَنْزَام وَحَا فَرِ وَتِيْمَانِي وَآخَشْطَارِي رَا بَرَايِ اَوْ زَايِدَه؛ اِي نِه اِ پسران نَعْرَه اَنَد.

۷ وِ پسران حَلا: صَرَت وَصُوحَر وَآتَان.

۸ وَفُوسِ عَانُوبِ وَصُوبِيْبَه وَقَبَايِلِ اَخْرَحِيْلِ بِنِ هَارُمِ رَا اَوْرَد.

۹ وَبِعِيصِ اَز بَرَادَرانِ خُودِ شَرِيْفِ تَرِ بُوْد وَمَادَرشِ اَوْرَا بِيْعِيصِ نَام نِهَاد وَگَفْت: «اَز اِي نِ جِهْتِ كِه اَوْرَا بَا حَزْنِ زَايِدِم.»

وَ بِيْعِيصِ اَز خُدَايِ اِسْرَائِيْلِ اسْتَدْعَا نَمُودَه گَفْت: «كاش كِه مَرَا بَرَكْتِ مِي دَا دِي وَحُدُودِ مَرَا وَسِيْعِ مِي گَرْدَانِي دِي وَدَسْتِ تُو بَا مَنِ مِي بُوْد وَ مَرَا اَز بِلَا نِ گَا هِ مِي دَا شْتِي تَا حَزُونِ شُوم.»

وَ خُدَا اَنْجَه رَا كِه خُواسْتِ بَه اَوْ بَخَشِيْد.

۱۱ وَكَلُوبِ بَرَادَرِ شُوحَه مَحِيْرَا كِه پدَرِ اَشْتُونِ بَاشَد اَوْرَد.

۱۲ وَاَشْتُونِ بِيْتِ رَا فَاوِ فَا سِيْحِ تَحْنَه پدَرِ عِيْرِ نَا حَاشِ رَا اَوْرَد. اِي نِه اِهْلِ رِيْقَه مِي بَاشَد.

۱۳ وِ پسران قَنَازِ وَعُنْتِيئِيلِ وَسَرَايَا بُوْدنَد؛ وَپسَرِ عُنْتِيئِيلِ حَتَات.

۱۴ وَمَعُونُوتَايِ عُفْرَه رَا اَوْرَد وَسَرَايَا، يُوآبِ پدَرِ جِيْحِرَا شِيْمِ رَا اَوْرَد، زِيْرَا كِه صَنَعْتِ گَر بُوْدنَد.

۱۵ وِ پسرانِ كَالِيْبِ بِنِ يَفْنَه، عِيْرُ وُوَالِيْلَه وَنَاعِمِ بُوْدنَد؛ وَپسَرِ اِيْلَه قَنَازِ بُوْد.

۱۶ وِ پسرانِ يِهْلَثِيْلِ، زِيْفِ وَزِيْفَه وَتِيْرِ يَاوِ اَسْرَثِيْلِ.

۱۷ وِ پسرانِ عَزْرَه يَتِيْرِ وَمَرْدِ وَعَا فَرِ وِ يَالُونِ (زَنِ مَرْدِ) مَرِيْمِ وَشَمَائِي وَبَشِيْحِ پدَرِ اَشْتُمُوعِ رَا زَايِد.

۱۸ وَزَنِ يَهُودِيَه اَوِيَارَد، پدَرِ جَدُّو رُو، وَجَابِرِ پدَرِ سُو كُو وَبِقُو تِيْثِيْلِ پدَرِ زَانُوْحِ رَا زَايِد. اِمَا اَنَانِ پسرانِ بَتِيَه دَخْتَرِ فَرْعُونِ كِه مَرْدِ اَوْرَا بَه زَنِي گَرْفْتَه بُوْدِ مِي بَاشَنَد.

- ۱۹ وپسران زن یهودیه او که خواهر نَحْم بود پدر قعیله جَرَمی و اَشْمُوع معکاتی بودند.
- ۲۰ وپسران شیمون: اَمْنون و رَنه و بَنحانان و تیلون و پسران یشعی زَنزُوحیت.
- ۲۱ وبنی شیلَه بن یهودا، عیر پدر لیکه، و لَعَدَه پدر مَریشَه و قبایل خاندان عاملان کَانَ نازک از خانواده اَشبیع بودند.
- ۲۲ و یوقیم و اهل کوزِیا و یوآش و ساراف که در موآب مَلک داشتند، و یَشویی حَم؛ و این وقایع قدیم است.
- ۲۳ و اینان کوزه گر بودند با ساکَانَ تناعیم و جدیره که در آنجاها ز پادشاه به جهت کار او سکونت داشتند.
- پسران شیمون**
- پسران شیمون: نمُئیل و یامین و یاریب و زارح و شاول.
- ۲۵ و پسرش شَلُوم و پسرش مِیسام و پسرش مِشماع.
- ۲۶ و بنی مِشماع پسرش حموئیل و پسرش رُگور و پسران شیمعی.
- ۲۷ و شیمعی را شانزده پسر و شش دختر بود و لکن برادرانش را پسران بسیار نبود و همه قبایل ایشان مثل بنی یهودا زیاد نشدند.
- ۲۸ و ایشان در بئر شیع و مولا دَه و حَصْر سُوآل، و در بلهه و عاصم و تولاد، و در بتوئیل و حر مه و صِقلغ و در بیت مرگبوت و حَصْر سُوسیم و بیت برئ و شعرایم ساکن بودند. اینها شهرهای ایشان تا زمان سلطنت داود بود.
- ۳۲ و قریه های ایشان عیطام عین و رمون و توکن و عاشان، یعنی پنج قریه بود، و جمیع قریه های ایشان که در پیرامون آن شهرها تابعل بود. پس مسکنهای ایشان این است و نسب نامه های خود را داشتند.

- ۳۴ و مَشُوبَات وِیْمَلِیک وِیوْشَه بِنِ اَمْصِیَا،
 یوئیل وِیهِوْا بِنِ یوْشِیْبِیَا بِنِ سَرِیَا بِنِ عَسِیْئِیل،
 وَاَلِیوْعِیْنِی وِیْعُکُوبَه وِیْشُوحَا یَا وِعَسَا یَا وِعِدْ یِئِیل وِیْسِیْمِیْئِیل وِیْنِیَا،
 وِزِیْرَا بِنِ شَفْعِی بِنِ اَلْوُنْ بِنِ یَدِیَا بِنِ شَمْرِی بِنِ شَمْعِیَا،
 اینانی که اسم ایشان مذکور شد، در قبایل خود رؤسا بودند و خانه های آبی ایشان بسیار
 زیاد شد.
- ۳۹ و به مدخل جد ورتا طرف شرقی وادی رفتند تا برای گله های خویش چرا گاه بجویند.
 ۴۰ پس برومند نیکو یافتند و آن زمین وسیع و آرام و امین بود، زیرا که آلِ حام در زمان
 قدیم در آنجا ساکن بودند.
- ۴۱ و اینانی که اسم ایشان مذکور شد، در ایام حزقییاد شاه یهود آمدند و خیمه های
 ایشان و معونیان را که در آنجا یافت شدند، شکست دادند و ایشان را تابه امر و زتابه ساخته،
 در جای ایشان ساکن شده اند زیرا که مرتع برای گله های ایشان در آنجا بود.
- ۴۲ و بعضی از ایشان، یعنی پانصد نفر از بنی شمعون به کوه سعیر رفتند؛ و فُلْطِیَا و نَعْرِیَا و
 رَفَا یَا و عَرَّ یِئِیل پسرانِ یَشِیْعِ رُؤْسَا یِ اِیْشَان بُوْدُنْد.
- ۴۳ و بقیه عمالقه را که فرار کرده بودند، شکست داده، تا امروز در آنجا ساکن شده
 اند.

پسران رؤبین

- و پسران رؤبین نخست زاده اسرائیل اینانند: (پیرا که او نخست زاده بود و اما به سبب بی
 عصمت ساختن بستر پدر خویش، حق نخست زادگی او به پسران یوسف بن اسرائیل داده
 شد. از این جهت نسب نامه او بر حسب نخست زادگی ثبت نشده بود.)
 ۲ زیرا یهود ابر برادران خود برتری یافت و پادشاه از او بود؛ اما نخست زادگی از آن یوسف
 بود.)
 □ پس پسران رؤبین نخست زاده اسرائیل: حَنُوک و فُلُّو و حَصْرُون و کَرْمِی.

۴ وپسران یوئیل: پسرش شمعیا و پسرش جوج و پسرش شمعیی؛
و پسرش میکا و پسرش رایا و پسرش بعل؛

و پسرش بئیره که تلغت فلناسر پادشاه آشور اورابه اسیری برد و اورئیس رؤ بینیان بود.
۷ و برادرانش بر حسب قبایل ایشان وقتی که نسب نامه موالید ایشان ثبت گردید، مقدم
ایشان یعیئیل بود و زکریا،

و بعل بن عزاز بن شامخ بن یوئیل که در عرو و عبرتانبو و بعل معون ساکن بود،
و به طرف مشرق تا مدخل بیابان از نهر فرات سکا گرفت، زیرا که مواشی ایشان در زمین
جلعاد زیاده شد.

۱۰ و در ایام شاول ایشان با حاجریان جنگ کردند و آنها به دست ایشان افتادند و در
خیمه های آنها در تمامی اطراف شرقی جلعاد ساکن شدند.
پسران جاد

و بنی جاد در مقابل ایشان در زمین با شان تا سلخه ساکن بودند.

۱۲ و مقدم ایشان یوئیل بود و دو مین شافام و یعنای و شافاط در ایشان) اکن بود.
□□ و برادران ایشان بر حسب خانه های آبی ایشان، میکائیل و مشلام و شبع و یورای
و یعکان و زیع و عابر که هفت نفر باشند.

۱۴ اینانند پسران ایحایل بن حوری ابن یاروح بن جلعاد بن میکائیل بن بشیشای بن یحدو
ابن بوز.

۱۵ آخی ابن عبد یئیل بن جونی رئیس خاندان آبی ایشان.

۱۶ و ایشان در جلعاد با شان و قریه هایش و در تمامی نواحی شارون تا حد و آنها ساکن
بودند.

۱۷ نسب نامه جمیع اینها در ایام پادشاه یهودا و در ایام ربعام پادشاه اسرائیل ثبت
گردید.

۱۸ از بنی رؤین و جادیان و نصف سبط منسی شجاعان و مردانی که سپر شمشیر می

داشتند و تیراندازان و جنگ آزمودگان که به جنگ بیرون می رفتند، چهل و هزار و هفت صد و شصت نفر بودند.

۱۹ و ایشان با حاجریان و بطور و نافیش و نوداب مقاتله نمودند.

۲۰ و برایشان نصرت یافتند و حاجریان و جمیع رفقای آنها به دست ایشان تسلیم شدند زیرا که در حین جنگ نزد خدا استغاثه نمودند و او ایشان را چونکه بر او توکل نمودند، اجابت فرمود.

۲۱ پس از مواشی ایشان، پنجاه هزار شتر و دو بیست و پنجاه هزار گوسفند و دو هزار الاغ و صد هزار مرده تاراج بردند.

۲۲ زیرا چونکه جنگ از جانب خدا بود، بسیاری مقتول گردیدند. پس ایشان به جای آنها تا زمان اسیری ساکن شدند.

۲۳ و پسران نصف سبط منسی در آن زمین ساکن شده، از ایشان تابعل حرمون و سنیر و جبل حرمون زیاد شدند.

۲۴ و اینانند رؤسای خاندان آباي ایشان عافرو شعی و الیئیل و عزریئیل و رمیا و هو دویا یحد یئیل که مردان تنومند شجاع و ناموران و رؤسای خاندان آباي ایشان بودند.

۲۵ اما به خدای پدران خود خیانت ورزیده، در پی خدایان قومهای آن زمین که خدا آنها را به حضور ایشان هلاک کرده بود، زنا کردند.

۲۶ پس خدای اسرائیل روح فُل پادشاه آشور و روح تلغت فلناسر پادشاه آشور را برانگیخت که رؤیینیان و جادیان و نصف سبط منسی را اسیر کرده، ایشان را به حَلح و خابور و هارا و نهر جوزان تا مرز برد.

پسران لای

بني لاوي: جرشون و قهات و مراری.

۲ بني قهات: عَمْرَام و بصهار و حبرون و عزریئیل.

۳ و بني عَمْرَام: هارون و موسی و مریم. و بني هارون: ناداب و ابیهو و الیعازارو

- ایتامار.
- ۴ وَاَلِيعَازَ فِينَحَاسَ رَاوَرْدُو فِينَحَاسَ اِيَشُوْعَ رَاوَرْدُو.
- ۵ وَاَبِيشُوْعَ بَقِي رَاوَرْدُو وَبَقِي عَزْرِي رَاوَرْدُو.
- ۶ وَعَزْرِي زَرَحِيَارَ اَوَرْدُو وَزَرَحِيَامَ اَيُوْتَ رَاوَرْدُو.
- ۷ وَمَرَايُوْتَ اَمْرِيَارَ اَوَرْدُو وَاَمْرِيَا اَخِيطُوْبَ رَاوَرْدُو.
- ۸ وَاَخِيطُوْبَ صَادُوْقَ رَاوَرْدُو وَصَادُوْقَ اَخِيْمَعِصَ رَاوَرْدُو.
- ۹ وَاَخِيْمَعِصَ عَزْرِيَارَ اَوَرْدُو وَعَزْرِيَارِيُوْحَانَانَ رَاوَرْدُو.
- ۱۰ وَيُوْحَانَانَ عَزْرِيَارَ اَوَرْدُو وَاَوَدَرَ خَانَهَ اِي كَه سَلِيْمَانَ دَر اَوْرَشَلِيْمَ بِنَا كَرْدَ، كَاهَنَ بُوْدَ.
- ۱۱ وَعَزْرِيَا اَمْرِيَارَ اَوَرْدُو وَاَمْرِيَا اَخِيطُوْبَ رَاوَرْدُو.
- ۱۲ وَاَخِيطُوْبَ صَادُوْقَ رَاوَرْدُو وَصَادُوْقَ شَلُوْمَ رَاوَرْدُو.
- ۱۳ وَشَلُوْمَ حَلَقِيَارَ اَوَرْدُو وَحَلَقِيَا عَزْرِيَارَ اَوَرْدُو
- وَعَزْرِيَا سَرِيَارَ اَوَرْدُو وَسَرِيَا يَهُوْصَادَاقَ رَاوَرْدُو.
- ۱۵ وَيَهُوْصَادَاقَ بَه اَسِيْرِي رَفْتِ هَنْگَامِي كَه خُدا وَنَدِيهُوْدَا وَاَوْرَشَلِيْمَ رَابَه دَسْتِ نَبُو كَد نَصْرَ
اسير ساخت.
- ۱۶ پسران لاوي: جرشوم و قهات و مراری.
- ۱۷ و اینهاست اسمهای پسران جرشوم: لبني و شمعي.
- ۱۸ و پسران قهات: عمرام و یصهار و حبرون و عزریئیل.
- ۱۹ و پسران مراری: محلی و موشی پس اینها قبایل لاویان بر حسب اجداد ایشان است.
- ۲۰ از جرشوم پسرش لبني، پسرش یحت، پسرش زمه.
- ۲۱ پسرش یواخ پسرش عد و پسرش زارح پسرش یاترای.
- ۲۲ پسران قهات، پسرش عمیناداب پسرش قورح پسرش اسیر.
- ۲۳ پسرش القانه پسرش ابیا ساف پسرش اسیر.

- ۲۴ پسرش تَحْت پسرش اُور یثیل پسرش عُرّیا، پسرش شَاوُل.
 ۲۵ وپسران اَلْقَانَه عماسای وَاخیموت.
 ۲۶ واما اَلْقَانَه. پسران اَلْقَانَه پسرش صوفای پسرش نُحْت.
 ۲۷ پسرش اَلْیَاب پسرش یروحام پسرش اَلْقَانَه.
 ۲۸ وپسران سموئیل نُحست زاده اش وَشِنِی ودمش اَبِیا.
 ۲۹ پسران مَراری مَحلی وپسرش لِبْنِی پسرش شَمعی پسرش عُرّه.
 ۳۰ پسرش شَمعی پسرش هِجیا پسرش عَسایا.

سرایندگان درهیکل

واینانند که دودایشان را بر خدمت سرود در خانه خداوند تعیین نمود بعد از آنکه تابوت مستقر شد.

۳۲ وایشان پیش مسکن خیمه اجتماع مشغول سراییدن می شدند تا حینی که سلیمان خانه خداوند را در اورشلیم بنا کرد. پس بر حسب قانون خویش بر خدمت خود مواظب شدند.

۳۳ پس آتهایی که با پسران خود معین شدند، اینانند: از بنی قَهاتیان هِمَانِ مَغْنِی ابن یوئیل بن سموئیل.

۳۴ بن اَلْقَانَه بن یروحام بن اَلْیَثیل بن نُوح،

ابن صوف بن اَلْقَانَه بن مَهت بن عماسای،

ابن اَلْقَانَه بن یوئیل بن عَزْرِیاء بن صَفَنیا،

ابن نُحْت بن اَسیر بن اَبِیا سَاف بن قُورح،

ابن یصهار بن قَهات بن لاوی بن اسرائیل.

۳۹ ویرادرش آساف که به دست راست وی می ایستاد. آساف بن بَرِکّا بن شَمعی،

ابن میکائیل بن بَعسیا بن مَلِکِیا،

ابن اَتِی بن زارح بن عَدایا،

ابن ایتان بن زمه بن شعی،

ابن یحیی بن جرشوم بن لاوی.

۴۴ و به طرف چپ برادران ایشان که پسران مراری بودند: ایتان بن قیثی ابن عبدی

ابن ملوک،

ابن حبیبیا ابن امصیا ابن حلقیا،

ابن امصی ابن بانی ابن شامر،

ابن محلی ابن موشی ابن مراری ابن لاوی.

۴۸ و لاویانی که برادران ایشان بودند، به تمامی خدمت مسکن خانه خدا گماشته شدند.

۴۹ و اما هارون و پسرانش بر مذبح قربانی سوختنی و بر مذبح بخور به جهت تمامی عمل

قدس الاقداس قربانی می گذرانیدند تا به جهت اسرائیل موافق هر آنچه موسی بنده خدا امر فرموده بود، کفار نمایند.

۵۰ و اینانند پسران هارون: پسرش العازار، پسرش فینحاس، پسرش ایدشوع.

۵۱ پسرش بقی، پسرش عزری، پسرش زر حیا،

پسرش مر ایوت پسرش امر یا پسرش اخیطوب،

پسرش صادوق، پسرش اخیمعص.

۵۴ و مسکن های ایشان بر حسب موضع ها و حدود ایشان اینهاست: از پسران هارون

به جهت قبایل فهاتیان زیر اقرعه اول از آن ایشان بود.

۵۵ پس حبرون در زمین یهودا با حوالی آن به هر طرفش به ایشان داده شد.

۵۶ و اما زمینهای آن شهر دهاش را به کالیب بن یفنه دادند.

۵۷ به پسران هارون به جهت شهرهای ملجا حبرون و لینه و حوالی آن، و تیر و اشتوع

و حوالی آن را دادند.

۵۸ و حیلین و حوالی آن را و دیر و حوالی آن را،

- وعاشان وحوالی آن راو بیت شمس وحوالی آن را،
 وازسبط بنیامین جَعَّ وحوالی آن راو عَمَّت وحوالی آن راو عَناتوت وحوالی آن را. پس
 جمیع شهرهای ایشان برحسب قبایل ایشان سیزده شهر بود.
- ۶۱ و به پسران قَهات که ازقبایل آن سبط باقی ماندند، ده شهر از نصف سبط یعنی از نصف
 مَنَسِي به قرعه داده شد.
- ۶۲ و به بنی جَرشوم برحسب قبایل ایشان ازسبط یَساکار وازسبط آشیر وازسبط نَفتالی
 وازسبط مَنَسِي درباشان سیزده شهر.
- ۶۳ و به پسران مَراری برحسب قبایل ایشان ازسبط رُوبین وازسبط جاد وازسبط زبولون
 دوازده شهر به قرعه داده شد.
- ۶۴ پس بنی اسرائیل این شهرهارا باحوالی آنها به لاویان دادند.
- ۶۵ وازسبط بنی یهود وازسبط بنی شمعون وازسبط بنی بنیامین این شهرهارا که اسم آنها
 مذکور است به قرعه دادند.
- ۶۶ و بعضی ازقبایل بنی قَهات شهرهای حدود خود را ازسبط افرایم داشتند.
- ۶۷ پس شکیم را باحوالی آن در کوهستان افرام و جازر را باحوالی آن به جهت شهرهای
 ملجابه ایشان دادند.
- ۶۸ و یقمعام را باحوالی آن و بیت حورون را باحوالی آن.
- ۶۹ و ایلون را باحوالی آن و جت رمون را باحوالی آن.
- ۷۰ و از نصف سبط مَنَسِي، عانیر را باحوالی آن، و بلعام را باحوالی آن، به قبایل باقی مانده
 بقی قَهات دادند.
- ۷۱ و به پسران جَرشوم ازقبایل نصف سبط مَنَسِي، جُولان را درباشان باحوالی آن و
 عَشْتاروت را باحوالی آن.
- ۷۲ و ازسبط یَساکار قَادِش را باحوالی آن و دَبْرَه را باحوالی آن.

- ۷۳ وراموت راباحوای آن وعانیم راباحوای آن.
- ۷۴ وازسبسط آشیر مَشَّال راباحوای آن عبْدُون راباحوای آن.
- ۷۵ وْحُقُوق راباحوای آن وِرْحُوب راباحوای آن.
- ۷۶ وازسبسط نَفْتالی قَادِش رادر جَلیل باحوای آن وْحَمَّون راباحوای آن وقریتایم راباحوای آن.
- ۷۷ وپه پسران مَراری که ازلا ویان باقی مانده بودند، ازسبسط زیبولون رمون راباحوای آن وتابور راباحوای آن.
- ۷۸ واز آن طرف اُردُن در برابر یحابه جانب شرقی اُردُن ازسبسط رُوْبین، باصْر رادر بیابان باحوای آن وپهصه راباحوای آن.
- ۷۹ و قدیموت راباحوای آن و میفعه راباحوای آن.
- ۸۰ وازسبسط جادراموت رادر جلعاد باحوای آن وْمَحْنایم راباحوای آن.
- ۸۱ وْحَشْبون راباحوای آن وبعزیر راباحوای آن.

پسران یسا کار

- واما پسران یسا کار: تولوع و فوه و یاشوب و شمرون چهار نفر بودند.
- ۲ و پسران تولوع: عُرْی ورفایا ویریتیل ویحامی و بیسام و سموئیل؛ ایشان رؤسای خاندان پدر خود تولوع و مردان قوی شجاع در انساب خود بودند، و عدد ایشان در داود بیست و دو هزار و ششصد بود.
- ۳ و پسر عُرْی، یزر حیا و پسران یزر حیا، میکائیل و عوبدیا و یوئیل و یسایا که پنج نفر و جمیع آنها رؤسا بودند.
- ۴ و با ایشان بر حسب انساب ایشان و خاندان آباي ایشان، فوجهای لشکر جنگی سی و شش هزار نفر بودند، زیرا که زنان و پسران بسیار داشتند.
- ۵ و برادران ایشان از جمیع قبایل یسا کار مردان قوی شجاع هشتاد و هفت هزار نفر جمیعاً در نسب نامه ثبت شدند.

پسران بنیامین

و پسران بنیامین: بَالَعُ وَاكْرُو يَدِ يَعِثِيلَ، سه نفر بودند.

۷ و پسران بَالَعُ: اَصْبُونُ وَعُرِّي وَعُرِّي يَثِيلَ ویریموت و عیري، پنج نفر رؤسای خاندان آبا و مردان قوی شجاع که بیست و دو هزار و سی و چهار نفر از ایشان در نسب نامه ثبت گردیدند.

۸ و پسران باکر: زَمِيرَه و يوعاش و اَلِيعازار و اَلِيو عِيناي و عُمري و ویریموت و اَيَا و عَنَاوَت و علامت. جمیع اینها پسران باکر بودند.

۹ و بیست هزار و دو بیست نفر از ایشان بر حسب انساب ایشان، رؤسای خاندان آباي ایشان مردان قوی شجاع در نسب نامه ثبت شدند.

۱۰ و پسر يَدِ يَعِثِيلَ: بِلْهَان و پسران بِلْهَان: يَعِيش و بنیامین و اِيهُود و كَنْعَنَه و زَيْتَان و تَرَشِيش و اَخِيشَا حَر.

۱۱ جمیع اینها پسران يَدِ يَعِثِيلَ بر حسب رؤسای آبا و مردان جنگي شجاع هفده هزار و دو بیست نفر بودند که در لشکر برای جنگ بیرون می رفتند.

۱۲ و پسران عَير: شُقِّيم و حُقِّيم و پسر اَحِير حُوشِيم.

پسران نفتالی

و پسران نَفْتَالِي: يَحْصِيئِيل و جُونِي و يَصْر و شَلُوم از پسران بلهه بودند.

پسران منسی

پسران مَنَسِي اَسْرِيئِيل که زوجه اش اورا زاید، و ما کیر پدر جلعاد که متعه آرامیه وي اورا زاید.

۱۵ و ما کیر خواهر حُقِّيم و شُقِّيم را که به معکه مسماء بود، به زنی گرفت، و اسم پسر دوم او صَلْفَحَاد بود، و صَلْفَحَاد دختران داشت.

۱۶ و معکه زن ما کیر پسری زاید، اورا فارس نام نهاد و اسم برادرش شارش بود و

پسرانش، اَلام وراقم بودند.

۱۷ وپسر اَلام پِدان بود. اینانند پسران جلعاد بن ما کیرین مَنَسِي.

۱۸ وخواهر او همو لکه ایشهود وایعزر و محله رازا یید.

۱۹ وپسران شَمیداع اخیان و شکیم و لقحی و انیعام.

پسران افرایم

و پسران افرایم شوتالخ و پسرش یارد و پسرش تَحْت و پسرش العاد و پسرش تَحْت.

۲۱ و پسرش زاباد و پسرش شوتالخ و عازر و العاد که مردان جتّ که در آن زمین مولود شدند، ایشان را کشتند زیرا که برای گرفتن مواشی ایشان فرمود آمده بودند.

۲۲ و پدر ایشان افرایم به جهت ایشان روزهای بسیار ماتم گرفت و برادرانش برای تعزیت وی آمدند.

۲۳ پس نزد زن خود در آمد و او حامله شده، پسری زاید و او را بریعه نام نهاد، از این جهت که در خاندان او یلابی عارض شده بود.

۲۴ و دخترش شیره بود که بیت حورون پایین و بالا را او ازین شیره رابنا کرد.

۲۵ و پسرش راح و راشف، و پسرش تالخ، و پسرش تاحن،

و پسرش لعدان، و پسرش عمیهود، و پسرش الیشمع،

و پسرش نون، و پسرش یهوشوع،

و املاک و مسکن های ایشان بیت ثیل و دهات آن بود و به طرف مشرق نعران و به طرف مغرب جازر و دهات آن و شکیم و دهات آن تا غزّه و دهات آن.

۲۹ و نزد حد و دینی مَنَسِي بیت شان و دهات آن و تعناک و دهات آن و مجد و دهات آن و دُور و دهات آن که در اینها پسران یوسف بن اسرائیل ساکن بودند.

پسران اشیر

پسران اشیر، یمنه و یشوه و یشوی و بریعه بودند، و خواهر ایشان سارح بود.

- ۳۱ وپسران بریعه، حابر و ملکئیل که همان پدر برزآوت باشد.
- ۳۲ حابر، یفلیط و شومیر و حوتام و خواهر ایشان شوعار آورد.
- ۳۳ وپسران یفلیط فاسک و بمهال و عَشَوَت بودند. اینانند بنی یفلیط.
- ۳۴ وپسران شامر آخی و رُجَهه و یجَهه و آرام.
- ۳۵ وپسران هیلام برادر وی صُوح و یمناع و شالَش و عامال بودند.
- ۳۶ وپسران صُوح، سُوح و حَرَنَفَر و شوعال و یریری و یرَهه.
- ۳۷ ویاصر و هود و شَمَّا و شَلَشَه و یتران و یتیرا.
- ۳۸ وپسران یتَر، یفَنَه و فِسفا و آرا.
- ۳۹ وپسران علا، آرح و حَنئیل و رَصیا.
- ۴۰ جمیع اینا پسران اشیر و رؤسای خاندان آبی ایشان و برگزیدگان مردان جنگی و رؤسای سرداران بودند. و شماره ایشان که در لشکر برای جنگ بر حسب نسب نامه ثبت گردید، بیست و شش هزار نفر بود.

نسب نامه شاؤل

- و بنیامین نخست زاده خود بالَع را آورد و دو مین اشبیل و سومش آخرخ،
 و چهارم نُوحَه و پنجم رافارا.
- ۳ وپسران بالَع: اَدَّار و جیرا و آیهود.
- ۴ و آیشوع و نعمان و اخوخ.
- ۵ و جیرا و شقُوفان و حورام بودند.
- ۶ و اینانند پسران اَحُود که رؤسای خاندان آبی ساکنان جَبَع بودند و ایشان رابه مناحت کوچانیدند.
- ۷ و اونُعمان و اَحیا و جیرا را کوچانید و او عُرَّا و اَحیحُود را تولید نمود.

- ۸ و شخرایم در بلاد موآب بعد از طلاق دادن زنان خود حوشیم و بعرافر زندان تولید نمود.
- ۹ پس از زن خویش که خود اش نام داشت یوباب و ظبیا و میشا و ملکام را آورد.
- ۱۰ و یعوض و شکیا و مر مه را که اینها پسران او و رؤسای خاندانهای آبا بودند.
- ۱۱ و از حوشیم ابیطوب و الفعل را آورد.
- ۱۲ و پسران الفعل عابر و مشعام و شامر که اونی و لود و دهاتش را بنانهاد بودند.
- ۱۳ و بریعه و شامع که ایشان رؤسای خاندان آبا ی ساکنان ایلون بودند و ایشان ساکنان جت را اخراج نمودند.
- ۱۴ و اخیو و شاشق و یریموت.
- ۱۵ و زبیدا و عارد و عادر.
- ۱۶ و میکائیل و بشفه و یو خا پسران بریعه بودند.
- ۱۷ و زبیدا و مشلام و جزقی و حابر،
- و شمرای و یزلیاه و یوباب پسران الفعل بودند.
- ۱۹ و یقیم و زکری و زبیدی،
- و الیعینای و صلتای و ابلیئیل،
- و ادا یا و یریا و شمרת پسران شمعی،
- و بشفان و عابر و ابلیئیل.
- ۲۳ و عبدون و زکری و حانان،
- و حنیا و عیلام و عنتوتیا،
- و یقدیا و فنوئیل پسران شاشق بودند.
- ۲۶ و شمرای و شخرایا و عتلیا.
- ۲۷ و یعرشیا و ایلیا و زکری پسران یرحام بودند.

۲۸ اینان رؤسای خاندان آبار حسب انساب خود و سرداران بودند و ایشان در اورشلیم سکونت داشتند.

۲۹ و در جبعون پدر جبعون سکونت داشت و اسم زنش معکه بود.

۳۰ و نخست زاده اش عبْدون بود، پس صور و قیس و بعل و ناداب، و جد و رو و آخيو و زاگر؛

و مقلوت شماه را آورد و ایشان نیز با برادران خود در اورشلیم در مقابل برادران ایشان ساکن بودند.

۳۳ و نیر قیس را آورد و قیس شاول را آورد و شاول یهوناتان و ملکیشوع و ایناداب و اشبعل را آورد.

۳۴ و پسر یهوناتان مر یب بعل بود و مر یب بعل میکار آورد.

۳۵ و پسران میکا، فیتون و مالک و تاریخ و آحاز بودند.

۳۶ و آحاز یهوعده را آورد، یهوعده علمت و عز موت و زمري را آورد و زمري موصا را آورد.

۳۷ و موصا بنعار آورد و پسرش رافه بود و پسرش العاسه و پسرش آصیل بود.

۳۸ و آصیل را شش پسر بود و نامهای ایشان اینهاست: عز ريقام و بگرو و اسمعیل و شعریا و عوبدیا و حانان. و جمیع اینها پسران آصیل اند.

۳۹ و پسران عیشق برادر او نخست زاده اش اولام و دومین یعوش و سومین الیقلط.

۴۰ و پسران اولام، مردان زور آور شجاع و تیر انداز بودند؛ و پسران و پسران ایشان بسیار یعنی صد و پنجاه نفر بودند. جمیع اینها از بنی بنیامین میباشند.

ساکنان اورشلیم

و تمامی اسرائیل بر حسب نسب نامه های خود شمرده شدند، و اینک در کتاب پادشاهان اسرائیل مکتوب اند و یهودا به سبب خیانت خود به بابل اسیری رفتند.

- ۲ و کسانی که اول در مُلکها و شهرهای ایشان سکونت داشتند، اسراییلیان و کاهنان و لویان و نَتینیم بودند.
- ۳ و در اورشلیم بعضی از بنی یهود او از بنی بنیامین و از بنی افرایم و منّسی ساکن بودند.
- ۴ عوتای ابن عمیهُود بن عمُرّی ابن امری ابن بانی از بنی فارص بن یهودا.
- ۵ و از شیلونیان نَحْست زاده اش عسایا و پسران او.
- ۶ و از بنی زارح یعوئیل و براران ایشان ششصد و نود نفر.
- ۷ و از بنی بنیامین سلّو ابن مَشَلّام بن هود و یابن هَسَنوآه.
- ۸ و یبِنیا ابن یروحام و ایلّة بن عُرّی ابن مَکری و مَشَلّام بن شَفَطیا بن رَأوئیل بن یبِنیا.
- ۹ و برادران ایشان بر حسب انساب ایشان نه صد و پنجاه و شش نفر. جمیع اینها رؤسای اجداد بر حسب خاندانهای آباي ایشان بودند.
- ۱۰ و از کاهنان، یَدَعیا و یهو یاریب و یاکین،
عَزْریا بن حَلقیّا ابن مَشَلّام بن صادوق بن مرّیوت بن اخیطوب رئیس خانه خدا،
و عَدایا بن یروحام بن فَشْحور بن مَلکیا و مَعسای ابن عدیئیل بن یحزیره بن مَشَلّام بن مَشَلیمیت
بن امیر.
- ۱۳ و برادران ایشان که رؤسای خاندان آباي ایشان بودند، هزار و هفتصد شصت نفر
که مردان رشید به جهت عمل خدمت خانه خدا بودند.
- ۱۴ و از لویان شَمعیّا ابن حَشوب بن عَزْریقام بن حَشَبیا از بنی مرّاری.
- ۱۵ و یَقْبَقَر و حارّش و جلال و مَتَنیا ابن میکا ابن زَکری ابن آساف.
- ۱۶ و عوَبَدیا ابن شَمعیّا ابن جلال و بن یَدو تون و بِرخیّا ابن آسا ابن القانه که در دهات نَطو فاتیان
ساکن بود.
- ۱۷ و در بانان، شَلوم و عَقُوب و طَلهُون و اخیمان و برادران ایشان. و شَلوم رئیس
بود.
- ۱۸ و ایشان تا آلآن بر دروازه شرقی پادشاه ای باشند (و در بانان فرقه بنی لوی بودند).

۱۹ و شَلُوم بن قُورِي ابن اَبِي آساف بن قُورَح و برادرانش از خاندان پدرش يعني بني قُورَح که ناظران عمل خدمت و مستحفظان دروازه هاي خيمه بودند و پدران ايشان ناظران اُردوي خداوند و مستحفظان مدخل آن بودند.

۲۰ و فينحاس بن العازار، سابق رئيس ايشان بود. و خداوند باوي مي بود.

۲۱ و زكريا بن مَثلَبيا دربان دروازه خيمه اجتماع بود.

۲۲ و جميع ايناني که براي درباني دروازه ها منتخب شدند، دوست دوازده نفر بودند و ايشان دردهات خود بر حسب نسب نامه هاي خود شمرده شدند که داود و سموئيل را ئي ايشان را بر وظيفه هاي ايشان گماشته بودند.

۲۳ پس ايشان و پسران ايشان بر دروازه هاي خانه خداوند و خانه خيمه براي نگهباني آن گماشته شدند.

۲۴ و در بانان به هر چهار طرف يعني مشرق و مغرب و شمال و جنوب بودند.

۲۵ و برادران ايشان که دردهات خود بودند، هر هفت روز نوبت به نوبت با ايشان مي آمدند.

۲۶ زير اِچهار رئيس در بانان که لاويان بودند، منصب خاص داشتند و ناظران جره ها و خزانه هاي خانه خدا بودند.

۲۷ و به اطراف خانه خدا منزل داشتند زيرا که نگاه بانيش براي ايشان بود، و باز کردن آن هر صبح براي ايشان بود.

۲۸ و بعضي از ايشان بر آلات خدمت مأمور بودند، چونکه آنها را به شماره مي آوردند و به شماره بيرون مي بردند.

۲۹ از ايشان بر اسباب و جميع آلات قدس و آردنرم و شراب و روغن و بخور و عطريات مأمور بودند.

۳۰ و بعضي از پسران کاهنان، عطريات خوشبورا تركيب مي کردند.

۳۱ و مَتَتيا که از جمله لاويان و نخست زاده شَلُوم قُورَحِي بود، بر عمل مطبوخات گماشته شده بود.

۳۲ و بعضی از برادران ایشان از پسران قهاتیان، برنان تقدّمه ما مور بودند تا آن را در هر روز سبت مهیا سازند.

۳۳ و مغنیان از رؤسای خاندان آباي لاویان در حجره هاسکونت داشتند و از کار دیگر فارغ بودند زیرا که روز و شب در کار خود مشغول می بودند.

۳۴ اینان رؤسای خاندان آباي لاویان و بر حسب انساب خود رئیس بودند و در اورشلیم سکونت داشتند.

و در جبعون، پدر جبعون، یعوئیل سکونت داشت و اسم زانش معکّه بود.

۳۶ و نخست زاده اش عبدون بود، پس صور و قیس و بعل و نیر و ناداب، و جد و رواخو و زگریا و مقلوت؛

و مقلوت شمام را آورد و ایشان نیز با برادران خود در اورشلیم در مقابل برادران ایشان ساکن بودند.

۳۹ و نیر قیس را آورد و قیس شاول را آورد و شاول یهوناتان و ملکیشوع و اینناداب و اشبعل را آورد.

۴۰ و پسر یهوناتان، مریب بعل بود و مریب بعل میکار آورد.

۴۱ و پسر میکا، فیتون و مالک و تحریع و آحاز بودند.

۴۲ و آحاز بعره را آورد و بعره علمت و عز موت و زمی را آورد و زمی موصار آورد.

۴۳ و موصابنعار آورد و پسرش رفایا و پسرش العاسه و پسرش آصیل.

۴۴ و آصیل را شش پسر بود و این است نامهای ایشان: عزریقام و بگرو و اسمعیل و شعریا و عوبدیا و حانان اینها پسران آصیل می باشند.

خودکشی شاول

و فلسطینیان با اسرائیل جنگ کردند، و مردان اسرائیل از حضور فلسطینیان فرار کردند و در کوه جلبوع کشته شده، افتادند.

- ۲ و فلسطینیان شاول و پسرانش را به سختی تعاقب نمودند، و فلسطینیان پسران شاول یونان و ایبنا داب و ملکیشوع را کشتند.
- ۳ و جنگ بر شاول سخت شد و تیراندازان او را در یافتند و از تیراندازان مجروح شد.
- ۴ و شاول به سلاح حدار خود گفت: «مشیر را بکش و به من فرور، مباد این نامختونان بیایند و مرا اقتضاح کنند.» اما سلاح حدارش نخواست زیرا که بسیاری ترسید؛ پس شاول شمشیر را گرفته بر آن افتاد.
- ۵ و سلاح حدارش چون شاول را مرده دید، او نیز شمشیر افتاده، بگرد.
- ۶ و شاول مرد و سه پسرش و تمامی اهل خانه اش همراه وی مردند.
- ۷ و چون جمیع مردان اسرائیل که در وادی بودند، این را دیدند که لشکر منہزم شده، و شاول و پسرانش مرده اند، ایشان نیز شهرهای خود را ترک کرده، گریختند و فلسطینیان آمده، در آنها قرار گرفتند.
- ۸ و روز دیگر واقع شد که چون فلسطینیان آمدند تا کشتگان را برهنه نمایند، شاول و پسرانش را در کوه جلبوع افتاده یافتند.
- ۹ پس او را برهنه ساخته، سر و سلاحه اش را گرفتند و آنها را به زمین فلسطینیان به هر طرف فرستادند تا به بتها و قوم خود مرده برسانند.
- ۱۰ و سلاحه اش را در خانه خدایان خود گذاشتند و سرش را در خانه دا جون به دیوار کوبیدند.
- ۱۱ و چون تمامی اهل یایش جلعا دآنچه را که فلسطینیان به شاول کرده بودند شنیدند، جمیع شجاعان بر خاسته، جسد شاول و جسد های پسرانش را برداشته، آنها را به یایش آورده، استخوانهای ایشان را زیر درخت بلوط که در یایش است، دفن کردند و هفت روز روزه داشتند.
- ۱۳ پس شاول به سبب خیانتی که به خداوند ورزیده بود مرد، به جهت کلام خداوند که آن را نگاه نداشته بود، و از این جهت نیز که از صاحبه اجنه سؤال نموده بود.
- ۱۴ و چون که خداوند را نطلبیده بود، او را کشت و سلطنت او را به داود بن یسی برگردانید.

داود، پادشاه اسرائیل

و تمامی اسرائیل نزد او در حبرون جمع شده، گفتند: «اینک ما استخوانها و گوشت تومی باشیم.»

۲ و قبل از این نیز هنگامی که شاول پادشاه می بود، تو اسرائیل را بیرون می بردی و درون می آوردی؛ و یهوه خدایت تو را گفت که: تو قوم من اسرائیل را شبانی خواهی نمود و تو بر قوم من اسرائیل پیشوا خواهی شد.»

و جمیع مشایخ اسرائیل نزد پادشاه به حبرون آمدند و داود با ایشان به حضور خداوند در حبرون عهد بست، و داود را بر حسب کلامی که خداوند به واسطه سموئیل گفته بود به پادشاهی اسرائیل مسح نمودند.

۴ و داود و تمامی اسرائیل به اورشلیم که بیوس باشد، آمدند و بیوسیان در آن زمین ساکن بودند.

۵ و اهل بیوس به داود گفتند: «به اینجا داخل نخواهی شد.» اما داود قلعه صهبون را که شهر داود باشد بگرفت.

۶ و داود گفت: «هر که بیوسیان را اول مغلوب سازد، رئیس و سردار خواهد شد.» پس یوآب بن صرویه اول برآمد و رئیس شد.

۷ و داود در آن قلعه ساکن شد، از آن جهت آن را شهر داود نامیدند.

۸ و شهر را به اطراف آن و گرداگرد ملوه بنا کرد و یوآب باقی شهر را تعمیر نمود.

۹ و داود ترقی کرده، بزرگ می شد و یهوه صبا یوت با وی می بود.

شجاعان داود

و اینان در وسای شجاعانی که داود داشت که با تمامی اسرائیل او را در سلطنتش تقویت دادند تا او را بر حسب کلامی که خداوند در باره اسرائیل گفته بود پادشاه سازد.

۱۱ و عدد شجاعانی که داود داشت این است: یشبعام بن حکونی که سردار شلیشیم بود که بر سیصد نفر نیزه خود را حرکت داد و ایشان را در یک وقت کشت.

- و بعد از او العازار بن دودوی اخوخی که یکی از آن سه شجاع بود.
- ۱۳ او با دودو در فسد میم بود وقتی که فلسطینیان در آنجا برای جنگ جمع شده بودند، و قطعه زمین برآز جو بود، و قوم از حضور فلسطینیان فرار می کردند.
- ۱۴ ایشان در میان آن قطعه زمین ایستاده، آن را محافظت نمودند، و فلسطینیان را شکست دادند و خداوند نصرت عظیمی به ایشان داد.
- ۱۵ و سه نفر از آن سی سردار به صخره نزد دودو به مغاره عدلام فرود شدند و لشکر فلسطینیان در وادی رفائیم اردو زده بودند.
- ۱۶ و دودو در آن وقت در ملاذ خویش بود، و قراول فلسطینیان آن وقت در بیت لحم بودند.
- ۱۷ و دودو خواهش نموده، گفت: «کاش کسی مرا از آب چاهی که نزد دروازه بیت لحم است بنوشاند.»
- پس آن سه مرد، لشکر فلسطینیان را از میان شکافته، آب را از چاهی که نزد دروازه بیت لحم است کشیده، برداشتند و آن را نزد دودو آوردند؛ اما دودو نخواست که آن را بنوشد و آن را به جهت خداوند بریخت،
- و گفت: «ای خداوند من حاشا از من که این کار را بکنم! آیا خون این مردان را بنوشم که جان خود را به خطر انداختند زیرا به خطر جان خود آن را آوردند؟» پس نخواست که آن را بنوشد؛ کاری که این سه مرد شجاع کردند این است.
- ۲۰ و آپیشای برادر یوآب سردار آن سه نفر بود و او نیز نیزه خود را بر سیصد نفر حرکت داده، ایشان را کشت و در میان آن سه نفر اسم یافت.
- ۲۱ در میان آن سه نفر از دو مکرم تر بود؛ پس سردار ایشان شد، لیکن به سه نفر اول نرسید.
- ۲۲ و بنایا بن یهویدا عیصر مردی شجاع قبیله یثیلی بود که کارهای عظیم کرده بود، و پسر آرئیل موآبی را کشت و در روز برف به حفره ای فرود شده، شیرین را کشت.
- ۲۳ و مرد مصری بلند قدر را که قامت او پنج ذراع بود کشت، و آن مصری در دست

خودنیزه ای مثل نوردن ساجان داشت؛ اما او نزد وی با چوب دستی رفت و نیزه را از دست مصری ربوده، وی را با نیزه خودش کشت.

۲۴ بنایابن یهو یاداع این کارها را کرد و در میان آن سه مرد شجاع اسم یافت.

۲۵ اینک او از آن سی نفر مگرم تر شد، لیکن به آن سه نفر اول نرسید و داود او را بر اهل مشورت خود برگماشت.

۲۶ و نیز از شجاعان لشکر، عسائیل برادر یوآب و آلحانان بن دودوی بیت لحمی،

و شموت هروری و حالص فلونی،

و عبرابن عقیبش تقوعی و ابیعزر عناتوتی،

و سبکای حوشاتی و عیلائی اخوخی،

و مهرای نطوفاتی و خالد بن بعنه نطوفاتی،

و اتای ابن ریای از جبعه بنی بنیامین و بنایای فرعاتوتی،

و حورای از وادیهای جاعش و ابیشیل عرباتی،

و عز موت بحرومی و ایجبائی شعلبونی.

۳۴ و از بنی هاشم جزونی یوناتان بن شاجای هراری،

و اخیام بن ساکار هراری و الیفال بن اور،

و حافر مکیراتی و اخیای فلونی،

و حصروی گرملی و نعرائی ابن ازبای.

۳۸ و یوئیل برادر ناتان و مبچار بن هجری،

و صالقی عمونی و نحرای پیروقی که سلاحدار یوآب بن صرویه بود.

۴۰ و عبرای یتیری و جارب یتیری،

و اوریای حقی و زاباد بن احلائی،

وَعَدَيْنَا بِن شَيْزَاي رُو بِنِي كِه سَر دَار رُو بِنِيَان بُو دُوسِي نَفْر هَمْرَاهَش بُو دُنْد.

۴۳ وَحَانَان بِن مَعَكَه وَبُوشَا فَاظ مَتِنِي،

وَعُرَّيَاي عَشْتَرُوتِي وَشَامَاع وَيُعُوئِيلُ پَسْرَان حُوتَامَ عَرُّو عِيرِي،

وَيَدِيَعِيئِيلُ بِن شَمْرِي وَبِرَادَرَش يُو خَاي تِيصِي،

وَالْيَيْئِيلُ اَز حُويم وَبِرِيَاي يُو شُو يَا پَسْرَان اَلنَاعِم وَبِتَمَه مَوآبِي،

وَالْيَيْئِيلُ وَعُوَيْد وَيَعْسِيئِيلُ مَصُوبَاتِي.

واینند که نزد او دبه صقلغ آمدند، هنگامی که او هنوز از ترس شاول بن قیس گرفتار

بود، و ایشان از آن شجاعان بودند که در جنگ معاون او بودند.

۲ و به کمان مسلح بودند و سنگها و تیرها از کمانها از دست راست و دست چپ می انداختند

و از برادران شاول بنیامینی بودند.

۳ سردار ایشان اخیعز بود، و بعد از او یوآش پسران شماعه جبغاتی و یزئیل و فالط پسران

عز موت و برا که و یه یوی عناتوتی،

و یشمعیای جبغونی که در میان آن سی نفر شجاع بود، و بر آن سی نفر برتری داشت و ارمیا

و یحزئیل و یوحانان و یوزاباد جدیراتی،

و العوزای و یریموت و بعلیا و شمیریا و شفقطیای حرُوفی،

و القانَه و لَشِیَا و عَزْرَئِيلُ و یوعزَرویشبعام که از قورحیان بودند،

و یوعیلَه و زَبْدِیَا پَسْرَانِ یُرُو حَامِ جَدُورِي.

۸ و بعضی از جادیان که مردان قوی شجاع و مردان جنگ آزموده و مسلح به سپر و تیر اندازان

که روی ایشان مثل روی شیر و مانند غزال کوهی تیز رو بودند، خوشتر را نزد او ددر

ملاذیبیان جدا ساختند،

که رئیس ایشان عازر رود و مین عوبدیا و سومین الیآب بود،

و چهارمین مشمنه و پنجمین ارمیا،

و ششم عتّای وهفتم الیئیل،
 وهشتم یوحانان ونهم الزاباد،
 ودهم ارمیاویازدهم مکبّائی.

۱۴ اینان از بنی جادر و ساي لشکر بودند که کوچکتر ایشان برابر صد نفر و بزرگتر برابر هزار نفر می بود.

۱۵ ایناند که در ماه اول از اردن عبور نمودند هنگامی که آن از تمامی حد و دش سیلان کرده بود و جمیع ساکنان وادیهاراهم به طرف مشرق وهم به طرف مغرب منزهم ساختند.
 ۱۶ و بعضی از بنی بنیامین و یهودان نزد داود به آن ملاذ آمدند.

۱۷ داود به استقبال ایشان بیرون آمده، ایشان را خطاب کرده، گفت: «اگر باسلامتی برای اعانت من نزد من آمدید، دل من با شما ملصق خواهد شد؛ و اگر برای تسلیم نمودن من به دست دشمنانم آمدید، با آنکه ظلمی در دست من نیست، پس خدای پدران ما این را ببیند و انصاف نماید.»

آنگاه روح بر عماسای که رئیس شلاشیم بود نازل شد) او گفت: «ای داود ما از آن تو ای پسر یسی ما با تو هستیم؛ سلامتی، سلامتی بر تو باد، و سلامتی بر انصار تو باد زیرا خدای تو نصرت دهنده توست.» پس داود ایشان را پذیرفته، سرداران لشکر ساخت.

۱۹ و بعضی از منسی به داود ملحق شدند هنگامی که او همراه فلسطینیان برای مقاتله با شاؤل می رفت؛ اما ایشان را مدد نکردند زیرا که سرداران فلسطینیان بعد از مشورت نمودن، او را پس فرستاده، گفتند که: «او با سرهای ما به آقای خود شاؤل ملحق خواهد شد.»

و هنگامی که به صیقل می رفت، بعضی از منسی به او پیوستند یعنی عدناح و یوزاباد و یدیعئیل و میکائیل و یوزاباد و الیهو و صلتائی که سرداران هزارهای منسی بودند.

۲۱ ایشان داود را به مقاومت فوجهای مالّقه (مدد کردند، زیرا جمیع ایشان مردان قوی شجاع و سردار لشکر بودند.

۲۲ زیرا در آن وقت، روزبه روز برای اعانت داود نزد وی می آمدند تا لشکر بزرگ، مثل لشکر خدا شد.

۲۳ و این است شماره افراد آنانی که برای جنگ مسلح شده، نزد داود به حبرون آمدند تا سلطنت شاول را بر حسب فرمان خداوند به وی تحویل نمایند.

۲۴ از بنی یهود اشش هزار و هشتصد نفر که سپرو نیزه داشتند و مسلح جنگ بودند.

۲۵ از بنی شمعون هفت هزار و یکصد نفر که مردان قوی شجاع برای جنگ بودند.

۲۶ از بنی لاوی چهار هزار و ششصد نفر.

۲۷ و یهو یاداع رئیس بنی هارون و سه هزار و هفتصد نفر همراه وی.

۲۸ و صادق که جوان قوی و شجاع بود با بیست و دو سردار از خاندان پدرش.

۲۹ و از بنی بنیامین سه هزار نفر از برادران شاول و تا آن وقت اکثر ایشان وفای خاندان شاول را نگاه می داشتند.

۳۰ و از بنی افرایم بیست هزار و هشتصد نفر که مردان قوی و شجاع و در خاندان پدران خویش نامور بودند.

۳۱ و از نصف سبط منسی هجده هزار نفر که به نامهای خود تعیین شده بودند که بیایند و داود را به پادشاهی نصب نمایند.

۳۲ و از بنی یساکار کسانی که از زمانها مخبر شده، می فهمیدند که اسرائیلیان چه باید بکنند، سرداران ایشان دوست نفر و جمیع برادران ایشان فرمان بردار ایشان بودند.

۳۳ و از زبولون پنجاه هزار نفر که بالشکر بیرون رفته، می توانستند جنگ را با همه آلات حرب بیارایند و صف آرای کنند و دودل نبودند.

۳۴ و از نفتالی هزار سردار و با ایشان سی و هفت هزار نفر با سپرو نیزه.

۳۵ و از بنی دان بیست و هشت هزار و ششصد نفر برای جنگ میباشند.

۳۶ و از آشیر چهل هزار نفر که بالشکر بیرون رفته، می توانستند جنگ را میسازند.

۳۷ و از آن طرف اردن از بنی جاد و نصف سبط منسی صد و بیست هزار نفر که با جمیع

آلات لشکر برای جنگ) هیاشدند.

□□ جمیع اینها مردان جنگی بودند که برصف آرائی قادر بودند بادل کامل به حبرون آمدند تا او در ابر تمامی اسرائیل به پادشاهی نصب نمایند، و تمامی بقیه اسرائیل نیز برای پادشاه ساختن داوید یک دل بودند.

۳۹ و در آنجا باد او دسه روزا کل و شرب نمودند زیرا که برادران ایشان به جهت ایشان تدارک دیده بودند.

۴۰ و مجاوران ایشان نیز تالیسا کاروز بولون و نفتالی نان بر الاغها و شتران و قاطران و گاوان آوردند و ماکولات از آرد و قرقصهای انجیر و کشمش و شراب و روغن و گاوان و گوسفندان به فراوانی آوردند چونکه در اسرائیل شادمانی بود.

بازگرداندن تابوت عهد

و داوید با سرداران هزاره و صدده و با جمیع رؤسا مشورت کرد.

۲ و داوید به تمامی جماعت اسرائیل گفت: «اگر شما مصلحت می دانید و اگر این از جانب یهوه خدای ما باشد، نزد برادران خود که در همه زمینهای اسرائیل باقی مانده اند، به هر طرف بفرستیم و با ایشان کاهنان و لویانی که در شهرهای خود و حوالی آنها می باشند، نزد ما جمع شوند،

و تابوت خدای خویش را با نزد خود بیاوریم چونکه در ایام شاول نزد آن مسألت نمودیم.» و تمامی جماعت گفتند که: «چنین بکنیم.» زیرا که این امر به نظر تمامی قوم پسند آمد.

۵ پس داوید تمامی اسرائیل را از شیخوَر مصر تا مدخل حَمات جمع کرد تا تابوت خدا را از قریت یعاریم بیاورند.

۶ و داوید و تمامی اسرائیل به بَعْلَه که همان قریت یعاریم است و از آن یهود ابود، برآمدند تا تابوت خدای یهوه را که در میان کروبیان در جایی که اسم او خوانده می شود ساکن است، از آنجا بیاورند.

۷ و تابوت خدا را بر ابراهه ای تازه از خانه آیناداب آوردند و عزرا و آخیاورابه را می راندند.

۸ وداود و تمامی اسرائیل با سرود و بریط و عود و دف و سنج و کرنا به قوت تمام به حضور خدا و جدمی نمودند.

۹ و چون به خرمنگاه کیدون رسیدند عَزْرادست خود را دراز کرد تا تابوت را بگیرد زیرا گاو ان می لغزیدند.

۱۰ و خشم خداوند بر عَزْر افر و خسته شده، او را دراز آن جهت که دست خود را به تابوت دراز کرد و در آنجا به حضور خدا مرد.

۱۱ و داود محزون شد چونکه خداوند بر عَزْر ارخنه نمود و آن مکان را تا امروز فارَص عَزْر نامید.

۱۲ و در آن روز داود از خدا ترسان شده، گفت: «تابوت خدا را نزد خود چگونه بیاورم؟» پس داود تابوت را نزد خود به شهر داود نیاورد بلکه آن را به خانه عوبید اَدوم جَیی برگردانید.

۱۴ و تابوت خدا نزد خاندان عوبید اَدوم در خانه اش سه ماه ماند و خداوند خانه عوبید اَدوم و تمامی مایملک او را برکت داد.

خانه و خاندان داود

و حیرام پادشاه صور، قاصدان با چوب سرو آزاد و بنایان و نجاران نزد داود فرستاده تا خانه ای برای او بسازند.

۲ و داود دانست که خداوند او را به پادشاهی اسرائیل استوار داشته است، زیرا که سلطنتش به خاطر قوم او اسرائیل به درجه بلند برافراشته شده بود.

۳ و داود در اورشلیم با زنان گرفت، و داود پسران و دختران دیگر تولید نمود.

۴ و این است نامهای فرزندان که در اورشلیم برای وی به هم رسیدند: شُموع و شوباب

و ناتان و سلیمان،

و یجار و الیشوع و الیفالط،

و نوجه و نافع و یافیع،

و الیشامع و بعلیاداع و الیفلط.

پیروزی داود بر فلسطینیان

و چون فلسطینیان شنیدند که داود به پادشاهی تمام اسرائیل مسح شده است، پس فلسطینیان برآمدند تا داود را (رای جنگ) بطلبند؛ و چون داود شنید، به مقابله ایشان برآمد.

۹ و فلسطینیان آمده، در وادی رفائیم منتشر شدند.

۱۰ و داود از خدا مسألت نموده، گفت: «آیا به مقابله فلسطینیان برآیم و آیا ایشان را به دست من تسلیم خواهی نمود؟» خداوند او را گفت: «برآی و ایشان را به دست تو تسلیم خواهم کرد.»

پس به بعل فراصیم برآمدند و داود ایشان را در آنجا شکست داد و داود گفت: «خدا بر دشمنان من به دست من مثل رخنه آب رخنه کرده است.» بنا بر این آن مکان را بعل فراصیم نام نهادند.

۱۲ و خدایان خود را در آنجا ترک کردند و داود امر فرمود که آنها را به آتش بسوزانند.

۱۳ و فلسطینیان بار دیگر در آن وادی منتشر شدند.

۱۴ و داود باز از خدا سؤال نمود و خدا او را گفت: «از عقب ایشان مرو و بلکه از ایشان روگردانیده، در مقابل درختان توت به ایشان نزدیک شو.»

۱۵ و چون در سردرختان توت آواز قدمها بشنوی، آنگاه برای جنگ بیرون شو، زیرا خدا پیش روی تو بیرون رفته است تا لشکر فلسطینیان را مغلوب سازد.»

پس داود بروفق آنچه خدا او را امر فرموده بود، عمل نمود و لشکر فلسطینیان را از جبعون تاجارز شکست دادند.

۱۷ و اسم داود در جمیع اراضی شیوع یافت و خداوند ترس او را بر تمامی امت هامستولی ساخت.

آوردن تابوت عهد به اورشلیم

و داود در شهر خود خانه ها بنا کرد و مکانی برای تابوت خدا فراهم ساخته، خیمه ای به جهت آن برپا نمود.

- ۲ آنگاه داود فرمود که غیر از لاویان کسی تابوت خدا را بر ندارد زیرا خداوند ایشان را برگزیده بود تا تابوت خدا بردارد و او را همیشه خدمت نمایند.
- ۳ و داود تمامی اسرائیل را در اورشلیم جمع کرد تا تابوت خداوند را به مکانی که برایش مهیا ساخته بود، بیاورند.
- ۴ و داود پسران هارون و لاویان را جمع کرد.
- ۵ از بنی قَهَات اُورِیئیلِ رئیس و صد بیست نفر برادرانش را.
- ۶ از بنی مَراری، عَسایایِ رئیس و دوست بیست نفر برادرانش را.
- ۷ از بنی جَرشوم، یوئیلِ رئیس و صد و سی نفر برادرانش را.
- ۸ از بنی ایصافان، شَمعیایِ رئیس و دوست نفر برادرانش را.
- ۹ از بنی حَبْرُون، ایلِئیلِ رئیس و هشتاد نفر برادرانش را.
- ۱۰ از بنی عَزْرِیئیل، عَمینادابِ رئیس و صد و وازده نفر برادرانش را.
- ۱۱ و داود صد و وق و ابیاتارِ کهنه و لاویان یعنی اُرِیئیل و عَسایا و یوئیل و شَمعیایا و ایلِئیل و عَمیناداب را خوانده،
- به ایشان گفت: «مارؤسای خاندانهای آباي لاویان هستيد؛ پس شما و برادران شما خويشتن را تقدیس نماید تا تابوت یهوه خدای اسرائیل را به مکانی که برایش مهیا ساخته ام بیاورید.
- ۱۳ زیرا از این سبب که شما دفعه اول آن را نیاوردید، یهوه خدای ما بر ما رخنه کرد، چونکه او را بر حسب قانون نطلبیدیم.»
- پس کاهنان و لاویان خويشتن را تقدیس نمودند تا تابوت یهوه خدای اسرائیل را بیاورند.
- ۱۵ و پسران لاویان بروفق آنچه موسی بر حسب کلام خداوند امر فرموده بود، چوب دستیهای تابوت خدا را بر کتفهای خود گذاشته، آن را برداشتند.
- ۱۶ و داود و رؤسای لاویان را فرمود تا برادران خود مغنیان را با آلات موسیقی از عودها و بریطها سنجها تعین نمایند، تا به آواز بلند و شادمانی صدازند.

- ۱۷ پس لاویان هیمان بن بوئیل و از برادران او آساف بن برکیا و از برادران ایشان بنی مراری ایтан بن قوشیار تعیین نمودند.
- ۱۸ و با ایشان از برادران درجه دوم خود: زکریا و بین و یعیئیل و شمیراموت و یحییئیل و عُنّی و آلیاب و بنایا و معسیا و متتیا و ایفلیا و مقنیا و عوبید اُوم و یعیئیل در بانان را.
- ۱۹ و از مغنیان: هیمان و آساف و ایتان را با سنجهای برنجین تابنوازند.
- ۲۰ و زکریا و عزریئیل و شمیراموت و یحییئیل و عُنّی و آلیاب و معسیا و بنایا را با عودها بر آلاموت.
- ۲۱ و متتیا و ایفلیا و مقنیا و عوبید اُوم و یعیئیل و عزریار با بربطهای برثمانی تا پیش روی نمایند.
- ۲۲ و گننبار رئیس لاویان بر نعمات بود و مغنیان را تعلیم می داد زیرا که ماهر بود.
- ۲۳ و برکیا و القانه در بانان تابوت بودند.
- ۲۴ و شبنیا و یوشافاط و نتئیل و عماسای و زکریا و بنایا و الیعزر که گهنه پیش تابوت خدا کرنامی نواختند، و عوبید اُوم و یحیی در بانان تابوت بودند.
- ۲۵ و داود و مشایخ اسرائیل و سرداران هزاره رفتند تا تابوت عهد خدا و ندر از خانه عوبید اُوم باشد مانی بیاورند.
- ۲۶ و چون خدا لاویان را که تابوت عهد خدا و ندر برمی داشتند اعانت کرد، ایشان هفت گاو و هفت قوچ ذبح کردند.
- ۲۷ و داود و جمیع لاویانی که تابوت را برمی داشتند و مغنیان و گننبار که رئیس نعمات مغنیان بوده به گنن نازک ملبس بودند، و داود اینفود گنن در برداشت.
- ۲۸ و تمامی اسرائیل تابوت عهد خدا و ندر را به آواز شادمانی و آواز بوق و کرنا و سنج و عود و بربط می نواختند.
- ۲۹ و چون تابوت عهد خدا و ندر در شهر داود می شد، میکال دختر شاول از پنجره نگر ایست و داود پادشاه را دید که رقص و وجد می نماید، او را در دل خود خوار شمرد.

سرود داد

و تابوت خدا را آورده، آن را در خیمه‌ای که داود برایش برپا کرده بود، گذاشتند؛ و قربانی‌های سوختنی و ذبایح سلامتی به حضور خدا گذرانیدند.

۲ و چون داود از گذرانیدن قربانی‌های سوختنی و ذبایح سلامتی فارغ شد، قوم را به اسم خداوند برکت داد.

۳ و به جمیع اسرائیلیان به مردان و زنان به هر یکی یک گرده نان و یک پاره گوشت و یک قرص کشمش بخشید.

۴ و بعضی لاویان برای خدمتگزاری پیش تابوت خدا و ندرت تعیین نمود تا یهوه خدای اسرائیل را ذکر نمایند و شکر گویند و تسبیح خوانند،

یعنی آساف رئیس و بعد از او زکریا و یعیئیل و شمیراموت و یحییئیل و مَتِّیَا و اَلِیَّاب و بنایا و عوبیدادوم و یعیئیل را با عودها و بربطها و آساف با سنج‌هایی نواخت.

۶ و بنایا و یحزیئیل کهنه پیش تابوت عهد خدا با گزناها دائماً اضرمی بودند.

□ پس در همان روز داود اولاً این سرود را (به دست آساف و برادرانش داد تا خداوند را تسبیح بخوانند:

یهوه را حمد گویند و نام او را بخوانید. اعمال او را در میان قومها اعلام نمایید.

۹ او را بسرایید برای او تسبیح بخوانید. در تمامی کارهای عجیب او تفکر نمایید.

۱۰ در نام قدوس او شفر کنید. دل طالبان خداوند شادمان باشد.

۱۱ خداوند قوت او را بطلبید. روی او را پیوسته طالب باشید.

۱۲ کارهای عجیب را که او کرده است، بیاد آورید، آیات او را و دوریهایی دهان وی را،

ای ذریت بنده او اسرائیل! ای فرزندان یعقوب برگزیده او!

یهوه خدای ما است. دوریهایی او در تمامی جهان است.

۱۵ عهد او را بیاد آورید تا ابد الآباد، و کلامی را که به هزاران پشت فرموده است،

- آن عهدی را که با ابراهیم بسته، و قسمی را که برای اسحاق خورده است،
و آن را برای یعقوب فریضه قرارداد و برای اسرئیل عهد جاودانی؛
و گفت زمین کنعان را به تو خواهم داد، تا حصه میراث شما شود،
هنگامی که عددی معدود بودید، و قلیل العدد و غیر بادرنجا،
و از اُمّتی تا اُمّتی سرگردان می بودند، و از یک مملکت تا قوم دیگر.
- ۲۱ او نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند، بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان تو بیخ
نمود،
که بر مسیحان من دست مگذازید، و انبیای مرا ضرر مرسانید.
- ۲۳ ای تمامی زمین یهوه را بسرایید. نجات او را روز به روز بشارت دهید.
- ۲۴ در میان اُمّت ها جلال او را ذکر کنید، و کارهای عجیب او را در جمیع قوم ها.
- ۲۵ زیرا خداوند عظیم است و بی نهایت محمود؛ و او مہیب است بر جمیع خدایان.
- ۲۶ زیرا جمیع خدایان اُمّت ها بتهایند. اما یهوه آسمانها را آفرید.
- ۲۷ مجد و جلال به حضور وی است؛ قوت و شادمانی در مکان او است.
- ۲۸ ای قبایل قوم ها خداوند را توصیف نمائید. خداوند را به جلال و قوت توصیف
نمائید.
- ۲۹ خداوند را به جلال اسم او توصیف نمائید. هدایا بیاورید و به حضور وی بیاید.
- خداوند را در زینت قدوسیت پرستید.
- ۳۰ ای تمامی زمین از حضور وی بلرزید. ربع مسکون نیز یابد ارشد و جنبش
نخواهد خورد.
- ۳۱ آسمان شادی کند و زمین سرور نماید، و در میان اُمّت ها بگویند که یهوه سلطنت
می کند.
- ۳۲ دریا و بری آن غرش نماید؛ و صحرا و هر چه در آن است به وجد آید.
- ۳۳ آنگاه درختان جنگل ترنم خواهند نمود، به حضور خداوند زیرا که برای داوری
جهان می آید.

- ۳۴ یهوه را حمد بگو بید زیرا که نیکو است. زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
- ۳۵ و بگو بید ای خدای نجات ما ما را نجات بده. و ما را جمع کرده، از میان اُمّت‌ها رهایی بخش. تا نام قدوس تو را حمد گویم، و در تسبیح تو نخر نمایم.
- ۳۶ یهوه خدای اسرائیل متبارک باد. از ازل تا ابد آباد.
- و تمامی قوم آمین گفتند و خداوند را تسبیح خواندند.
- ۳۷ پس آساف و برادرانش را آنجا پیش تابوت عهد خداوند گذاشت تا همیشه پیش تابوت به خدمت هر روز در روزش مشغول باشند.
- ۳۸ و عوبیدادوم و شصت و هشت نفر برادران ایشان و عوبیدادوم بن یدیتون و حوسه در بانان را.
- ۳۹ و صادوق کاهن و کاهنان برادرانش را پیش مسکن خداوند در مکان بلندی که در جبعون بود،
- تا قربانی‌های سوختنی برای خداوند بر مذبح قربانی سوختنی دائماً صبح و شام بگذرانند بر حسب آنچه در شریعت خداوند که آن را به اسرائیل امر فرموده بود مکتوب است.
- ۴۱ و با ایشان هیمان و یدوتون و سایر برگزیدگانی را که اسم ایشان ذکر شده بود تا خداوند را حمد گویند زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
- ۴۲ و همراه ایشان هیمان و یدوتون را با گرهاها و سنجها و آلات نغمات خدا به جهت نوازندگان و پسران یدوتون را تا نزد دروازه باشند.
- ۴۳ پس تمامی قوم هر یکی به خانه خود رفتند، اما داود برگشت تا خانه خود را تبرک نماید.

وعدۀ خدا به داود

و واقع شد چون داود در خانه خود نشست بود که داود به ناتان نبی گفت: «اینک من خانه سرور آزاد ساکن می‌باشم و تابوت عهد خداوند زیر پرده‌ها است.»

ناتان به داود گفت: «هر آنچه در دلت باشد به عمل آور زیرا خدا با تو است.»

و در آن شب واقع شد که کلام خدا به ناتان نازل شده، گفت:
 «برو و به بنده من داود بگو خداوند چنین می فرماید: تو خانه ای برای سکونت من بنا خواهی
 کرد.»

۵ زیرا از روزی که بنی اسرائیل را بیرون آوردم تا امروز در خانه ساکن نشده ام بلکه
 از خیمه به خیمه و مسکن به مسکن گردش کرده ام
 و به هر جایی که با تمامی اسرائیل گردش کرده ام، آیه احدی از داوران اسرائیل که
 برای رعایت قوم خود مأمور داشتم، سخنی گفتم که چرا خانه ای از سر و آزاد برای من بنا
 نکردید؟

و حال به بنده من داود چنین بگو: یهوه صبا یوت چنین می فرماید: من تو را از چراگاه از
 عقب گوسفندان گرفتم تا پیشوای قوم من اسرائیل باشی.

۸ و هر جایی که می رفتم، من با تومی بودم و جمیع دشمنانت را از حضور تو منقطع ساختم
 و برای تو اسمی مثل اسم بزرگانی که بر زمین اند پیدا کردم.

۹ و به جهت قوم خود اسرائیل مکانی تعیین نمودم و ایشان را غرس کردم تا در مکان
 خویش ساکن شده، باز متحرک نشوند، و شریان ایشان را دیگر مثل سابق ذلیل نسازند.
 ۱۰ و از ایامی که داوران را بر قوم خود اسرائیل تعیین نمودم و تمامی دشمنانت را مغلوب
 ساختم، تو را خبر می دادم که خداوند خانه ای برای تو بنا خواهد نمود.

۱۱ و چون روزهای عمر تو تمام شود که نزد پدران خود رحلت کنی، آنگاه ذریت تو
 را که پسران تو خواهد بود، بعد از تو خواهیم برانگیخت و سلطنت او را پایدار خواهیم نمود.
 ۱۲ او خانه ای برای من بنا خواهد کرد و من کرسی او را تا به ابد استوار خواهیم ساخت.
 ۱۳ من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود و رحمت خود را از او دور نخواهم
 کرد چنانکه آن را از کسی که قبل از تو بود دور کردم.

۱۴ و او را در خانه و سلطنت خودم تا به ابد پایدار خواهم ساخت و کرسی او استوار خواهد
 ماند تا ابد الآباد.»

بر حسب تمامی این کلمات و مطابق تمامی این رؤیای ناتان به داود تکلم نمود.

دعای داود

وداود پادشاه داخل شده، به حضور خداوند نشست و گفت: «ای یهوه خدا، من کیستم و خاندان من چیست که مرا به این مقام رسانیدی؟»

و این نیز در نظر تو ای خدا امر قلیل نمود زیرا که در باره خانه بنده ات نیز برای زمان طویل تکلم نمودی و مرا ای یهوه خدا، مثل مرد بلند مرتبه منظور داشتی.

۱۸ و داود دیگر در باره اکرامی که به بنده خود کردی، نزد تو چه تواند افزود زیرا که تو بنده خود را می شناسی.

۱۹ ای خداوند، به خاطر بنده خود و موافق دل خویش جمیع این کارهای عظیم را به جا آوردی تا تمامی این عظمت را ظاهر سازی.

۲۰ ای یهوه مثل تو کسی نیست و غیر از تو خدایی نی. موافق هر آنچه به گوشه های خود شنیدیم،

و مثل قوم تو اسرائیل کدام امتی بر روی زمین است که خدا بیاید تا ایشان را فدیة داده، برای خویش قوم بسازد، و به کارهای عظیم و مهیب اسمی برای خود پیدانماید و امت ها را از حضور قوم خود که ایشان را از مصرفیة دادی، اخراج نماید.

۲۲ و قوم خود اسرائیل را برای خویش تا به ابد قوم ساختنی و تو ای یهوه خدای ایشان شدی.

۲۳ «و الآن ای خداوند کلامی که در باره بنده ات و خانه اش گفتی تا به ابد استوار شود و بر حسب آنچه گفتی عمل نما.

۲۴ و اسم تو تا به ابد استوار و معظم بماند تا گفته شود که یهوه صباوت خدای اسرائیل خدای اسرائیل است و خاندان بنده ات داود به حضور تو بیاید و بماند.

۲۵ زیرا تو ای خدای من بر بنده خود کشف نمودی که خانه ای برایش بنا خواهی نمود؛ بنابراین بنده ات جرات کرده است که این دعا را نزد تو بگوید.

۲۶ و الآن ای یهوه، تو خدا هستی و این احسان را به بنده خود وعده دادی.

۲۷ والآن توراپسند آمد که خانه بنده خود را برکت دهی تا در حضور تو تا به ابد بماند زیرا که تو ای خداوند برکت داده ای و مبارک خواهد بود تا ابد الابد.»

فتوحات داود

وبعد از این واقع شد که داود فلسطینیان را شکست داده، مغلوب ساخت و جت و قریه هایش را از دست فلسطینیان گرفت.

۲ و موآب را شکست داد و موآبیان بندگان داود شده، هدایا آوردند.

۳ و داود هدّرعزّریاد شاه صوبه رادر حمت هنگامی که می رفت تا سلطنت خود را نزد نهر فرات استوار سازد، شکست داد.

۴ و داود هزار اربه و هفت هزار سوار و بیست هزار پیاده از او گرفت، و داود تمامی اسبان اربه را پی کرد، اما از آنها برای صدار اربه نگاه داشت.

۵ و چون آرامیان دمشق به مدد هدّرعزّریاد شاه صوبه آمدند، داود بیست و دو هزار نفر از آرامیان را کشت.

۶ و داود در آرام دمشق (راولان) گذاشت و آرامیان بندگان داود شده، هدایا آوردند. و خداوند داود را در هر جا که می رفت نصرت می داد.

۷ و داود سپرهای طلا را که بر خادمان هدّرعزّری بود گرفته، آنها را به اورشلیم آورد.

۸ و داود از طبّحت و کون شهرهای هدّرعزّری رنج از حد زیاد گرفت که از آن سلیمان دریاچه و ستونها و ظروف برنجین ساخت.

۹ و چون تو عوباد شاه حمت شنید که داود تمامی لشکر هدّرعزّریاد شاه صوبه را شکست داده است،

پسر خود هدّرام را نزد داود پادشاه فرستاد تا سلامتی او بپرسد و او را تنبیت گوید از آن جهت که با هدّرعزّری جنگ نموده او را شکست داده بود، زیرا هدّرعزّری با تو عومقاتله می نمود؛ و هر قسم ظروف طلا و نقره و برنج (اخذ) آورد.

□□ و داود پادشاه آنها را نیز برای خداوند وقف نمود، بانقره و طلائی که از جمیع امت

- هایعنی از اُدوم و موآب و بنی عُمون و فلسطینیان و عمالقه آورده بود.
- ۱۲ و اَبشای ابن صَرُوبه هجده هزار نفر از اُدوم میان رادر وادی ملح کشت.
- ۱۳ و در اُدوم قراولان قرار داد و جمیع اُدومیان بندگان داود شدند و خداوند داود را در هر جای که می رفت نصرت می داد.
- ۱۴ و داود بر تمامی اسرائیل سلطنت نمود، انصاف و عدالت را بر تمامی قوم خود مجزای داشت.
- ۱۵ و یوآب بن صَرُوبه سردار لشکر بود و یهوشافاط بن اخیلود وقایع نگار.
- ۱۶ و صادوق بن اخیطوب و ایملک بن آبیاتار کاهن بودند و شوشا کاتب بود.
- ۱۷ و بنیابن یهویاداع رئیس گریتیان و فلیتیان و پسران داود نزدیک پادشاه مقدم بودند.

جنگ بابنی عمون

- و بعد از این واقع شد که ناحاش، پادشاه بنی عمون مرد و پسرش در جای او سلطنت نمود.
- ۲ و داود گفت: «با حانُون بن ناحاش احسان نمایم چنانکه پدرش به من احسان کرد.» پس داود قاصدان فرستاد تا او را در باره پدرش تعزیت گویند. و خادمان داود به زمین بنی عمون نزد حانُون برای تعزیت وی آمدند.
- ۳ و سروران بنی عمون به حانُون گفتند: «آیا گمان می بری که به جهت تکریم پدرت توانست که داود تعزیت کنندگان نزد تو فرستاده است؟ نی بلکه بندگانش به جهت تفحص و انقلاب و جاسوسی زمین نزد تو آمدند.»
- پس حانُون خادمان داود را گرفته، ریش ایشان را تراشید و لباسهای ایشان را از میان تا جای نشستن دریده، ایشان را رها کرد.
- ۵ و چون بعضی آمده، داود را از حالت آن کسان خبر دادند، به استقبال ایشان فرستاد زیرا که ایشان بسیار رنجل بودند، و پادشاه گفت: «در آریحاً بمانید تا ریشهای شما درآید و بعد از آن برگردید.»

و چون بنی عمون دیدند که نزد داود مکروه شده اند، حانون و بنی عمون هزار و زنه نقره فرستادند تا رابه ها و سواران از آرام نهرین و آرام معکه و صوبه برای خود اجیر سازند. ۷ پس سی و دو هزار رابه و پادشاه معکه و جمعیت او را برای خود اجیر کردند، و ایشان بیرون آمده، در مقابل مید با اردو زدند، و بنی عمون از شهرهای خود جمع شده، برای مقاتله آمدند.

۸ و چون داود این را شنید، یوآب و تمامی لشکر شجاعان را فرستاد.

۹ و بنی عمون بیرون آمده، نزد دروازه شهر برای جنگ صف آرایی نمودند. و پادشاهانی که آمده بودند، در صحرا علیحده بودند.

۱۰ و چون یوآب دید که روی صفوف جنگ، هم از پیش و هم از عقبش بود، از تمامی برگزیدگان اسرائیل گروهی را انتخاب کرده، در مقابل آرامیان صف آرایی نمود.

۱۱ و بقیه قوم رابه دست برادر خود ایشای سپرده و به مقابل بنی عمون صف کشیدند.

۱۲ و گفت: «اگر میان بر من غالب آیند، به مدد من بیا؛ و اگر بنی عمون بر تو غالب آیند، به جهت امداد تو خواهم آمد.»

۱۳ دلیر باش که به جهت قوم خویش و به جهت شهرهای خدای خود مردانه بکوشیم و خداوند آنچه را در نظرش پسند آید بکند.»

پس یوآب و گروهی که همراهش بودند، نزدیک شدند تا با آرامیان جنگ کنند و ایشان از حضور وی فرار کردند.

۱۵ و چون بنی عمون دیدند که آرامیان فرار کردند، ایشان نیز از حضور برادرش ایشای گریخته، داخل شهر شدند؛ و یوآب به اورشلیم برگشت.

۱۶ و چون آرامیان دیدند که از حضور اسرائیل شکست یافتند، ایشان قاصدان فرستاده، آرامیان را که به آن طرف نهر بودند، و شوفک سردار لشکر هدر عزر پیشوای ایشان بود.

۱۷ و چون خبر به داود رسید، تمامی اسرائیل را جمع کرده، از اردن عبور نمود و به ایشان

رسیده، مقابل ایشان صف آرایی نمود. و چون داود جنگ را با آرامیان آراسته بود، ایشان با وی جنگ کردند.

۱۸ و آرامیان از حضور اسرائیل فرار کردند و داود مردان هفت هزار را به و چهل هزار پیاده از آرامیان را کشت، و شوفاک سردار لشکر را به قتل رسانید.

۱۹ و چون بندگان هدر عَزْر دیدند که از حضور اسرائیل شکست خوردند، با داود صلح نموده، بنده او شدند، و آرامیان بعد از آن در اعانت بنی عمون اقدام نمودند.

جنگ باریبه و فلسطینیان

و واقع شد در وقت تحویل سال، هنگام بیرون رفتن پادشاهان، که یوآب قوت لشکر را بیرون آورد، و زمین بنی عمون را ویران ساخت و آمده، ربه را محاصره نمود. اما داود در اورشلیم ماند و یوآب ربه را تسخیر نموده، آن را منهدم ساخت.

۲ و داود تاج پادشاه ایشان را از سرش گرفت که وزنش یک وزنه طلا بود و سنگهای گرانها داشت و آن را بر سر داود گذاشتند و غنیمت از حد زیاده از شهر بردند.

۳ و خلق آنجا را بیرون آورده، ایشان را به آره ها و چومهای آهنین و تیشه ها پاره پاره کرد؛ و داود به همین طور با جمیع شهرهای بنی عمون رفتار نمود. پس داود و تمامی قوم به اورشلیم برگشتند.

۴ و بعد از آن جنگی با فلسطینیان در جازر، واقع شد که در آن سبکای حوشاتی سفای را که از اولاد رافا بود کشت و ایشان مغلوب شدند.

۵ و باز جنگ با فلسطینیان واقع شد و الحانان بن یاعیر خمیرا که برادر جلیات جتی بود کشت که چوب نیزه اش مثل نورد جولا هکان بود.

۶ و باز جنگ در جت واقع شد که در آنجا مردی بلند قد بود که بیست و چهار انگشت، شش بر هر دست و شش بر هر پا داشت و او نیز برای رافا زاییده شده بود.

۷ و چون او اسرائیل را به تنگ آورد، یهوناتان بن شمعابر در داود او را کشت.

۸ اینان برای رافادرجت زاییده شدند و به دست داود و به دست بندگانش افتادند.

شمارش مردان جنگی

و شیطان بر ضد اسرائیل برخاسته، داود را اغوا نمود که اسرائیل را بشمارد.
 ۲ و داود به یوآب و سروران قوم گفت: «بروید و عدد اسرائیل را از بی‌شعب تا دان گرفته، نزد من بیاورید تا آن را بدانم.»

یوآب گفت: «خداوند بر قوم خود هر قدر که باشند صد چندان مزید کند؛ وای آقایم پادشاه آیا جمیع ایشان بندگان آقایم نیستند؟ لیکن چرا آقایم خواهش این عمل دارد و چرا باید باعث گناه اسرائیل بشود؟»
 اما کلام پادشاه بر یوآب غالب آمد و یوآب در میان تمامی اسرائیل گردش کرده، بازیه اورشلیم مراجعت نمود.

۵ و یوآب عدد شمرده شدگان قوم را به داود داد و جمله اسرائیلیان هزار هزار و یکصد هزار مرد شمشیرزن و از یهودا چهارصد و هفتاد و چهار هزار مرد شمشیرزن بودند.
 ۶ لیکن لاویان و بنیامینیان را در میان ایشان نشمرد زیرا که فرمان پادشاه نزد یوآب مکروه بود.

۷ و این امر به نظر خدا ناپسند آمد، پس اسرائیل را مبتلا ساخت.
 ۸ و داود به خدا گفت: «در این کاری که کردم، گناه عظیمی ورزیدم. و حال گناه بنده خود را عفو فرما زیرا که بسیار احمقانه رفتار نمودم.»
 و خداوند جاد را که رای داود بود خطاب کرده، گفت:

«برو و داود را اعلام کرده، بگو خداوند چنین می‌فرماید: من سه چیز پیش تومی گذارم؛ پس یکی از آنها را برای خود اختیار کن تا برایت به عمل آورم.»

پس جاد نزد داود آمده، و می‌راگفت: «خداوند چنین می‌فرماید برای خود اختیار کن: یاسه سال قحط بشود، یاسه ماه پیش روی خصمانت تلف شوی و شمشیر دشمنان تو را درگیرد، یاسه روز شمشیر خداوند و باد رزمین تو واقع شود، و فرشته خداوند تمامی حدود اسرائیل را ویران سازد. پس الآن بین که نزد فرستنده خود چه جواب برم.»

داود به جاد گفت: «در شدت تنگی هستم. تمنا اینکه به دست خداوند بیفتم زیرا که رحمت های او بسیار عظیم است و به دست انسان نیفتم.»
 پس خداوند و با بر اسرائیل فرستاد و هفتاد هزار نفر از اسرائیل مردند.
 ۱۵ و خدا فرشته ای به اورشلیم فرستاد تا آن را هلاک سازد. و چون می خواست آن را هلاک کند، خداوند ملاحظه نمود و از آن بلا پیشیمان شد و به فرشته ای که (و م را) هلاک می ساخت گفت: «افی است، حال دست خود را باز دار.» و فرشته خداوند نزد خرمنگاه ارنان یوسبی ایستاده بود.

۱۶ و داود چشمان خود را بالا انداخته، فرشته خداوند را دید که در میان زمین و آسمان ایستاده است و شمشیری برهنه در دستش بر اورشلیم برافراشته؛ پس داود و مشایخ به پلاس ملیس شده، به روی خود در افتادند.

۱۷ و داود به خدا گفت: «یا من برای شمردن قوم امر نفرمودم و ایام آن نیستم که نگاه ورزیده، مرتکب شرارت زشت شدم؟ اما این گوسفندان چه کرده اند؟ پس ای پیهوه خدایم، مستدعی اینکه دست تو بر من و خاندان پدرم باشد و به قوم خود بلا مرسانی.»
 و فرشته خداوند جاد را امر فرمود که به داود بگوید که داود برود و مذبحی به جهت خداوند در خرمنگاه ارنان یوسبی برپا کند.

۱۹ پس داود بر حسب کلامی که جاد به اسم خداوند گفت برفت.

۲۰ و ارنان روگردانیده، فرشته را دید و چهار پسرش که همراهش بودند، خویشتن را پنهان کردند؛ و ارنان گندم می کوبید.

۲۱ و چون داود نزد ارنان آمد، ارنان نگریسته، داود را دید و از خرونگاه بیرون آمده، به حضور داود روی زمین افتاد.

۲۲ و داود به ارنان گفت: «جای خرمنگاه را به من بده تا مذبحی به جهت خداوند برپا نمایم، آن را به قیمت تمام به من بده تا و با از قوم رفع شود.»

ارنان به داود عرض کرد: «آن را برای خود بگیر و آفایم پادشاه آنچه که در نظرش پسند

آید به عمل آورد؛ بین گاو ان رابه جهت قربانی سوختنی و چومهارا برای هیزم و گندم را به جهت هدیه آردی دادم و همه رابه تو بخشیدم.»

اماد او پادشاه به ارنان گفت: «ی، بلکه آن رالبته به قیمت تمام از تو خواهم خرید، زیرا که از اموال تو برای خداوند نخواهم گرفت و قربانی سوختنی مجاناً نخواهم گذرانید.» پس داود برای آن موضع ششصد مثقال طلا به وزن، به ارنان داد.

۲۶ و داود در انجام مذبحی به جهت خداوند بنا نموده، قربانی های سوختنی و ذبایح سلامتی گذرانید و نزد خداوند استدعا نمود؛ و او آتشی از آسمان بر مذبح قربانی سوختنی ازل کرده، اورا مستجاب فرمود.

۲۷ و خداوند فرشته را حکم داد تا شمشیر خود را در غلافش برگرداند.

۲۸ در آن زمان چون داود دید که خداوند او را در خرمنگاه ارنان ببوسی مستجاب فرموده است، در آنجا قربانی ها گذرانید.

۲۹ امامسکن خداوند که موسی در بیابان ساخته بود و مذبح قربانی سوختنی، در آن ایام در مکان بلند جبعون بود.

۳۰ لیکن داود نتوانست نزد آن پروردگارش خدا مسألت نماید، چونکه از شمشیر فرشته خداوند می ترسید.

تدارک برای خانه خدا

پس داود گفت: «این است خانه یهوه خدا، و این مذبح قربانی سوختنی برای اسرائیل می باشد.»

و داود فرمود تا غریبان را که در زمین اسرائیل اند جمع کنند، و سنگ تراشان معین کرد تا سنگهای مرعب برای بنای خانه خدا بتراشند.

۳ و داود آهن بسیاری به جهت میخها برای لنگه های دروازه ها و برای وصلها حاضر ساخت و برنج بسیار که نتوان وزن نمود.

۴ و چوب سرو آزاد بی شمار زیر اهل صید و ن و صور چوب سرو آزاد بسیار برای داود

آوردند.

۵ وداود گفت: «پسر من سلیمان صغیر و نازک است و خانه‌ای برای یهوه باید بنا نمود، می‌بایست بسیار عظیم و نامی و جلیل در تمامی زمین‌ها بشود؛ لذا حال برایش تهیه می‌بینم.» پس داود قبل از وفاتش تهیه بسیار دید.

۶ پس پسر خود سلیمان را خوانده، او را وصیت نمود که خانه‌ای برای یهوه خدای اسرائیل بنا نماید.

۷ وداود به سلیمان گفت که: «ای پسر من! من اراده داشتم که خانه‌ای برای اسم یهوه خدای خود بنا نمایم.

۸ لیکن کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: چونکه بسیار خون ریخته‌ای و جنگ‌های عظیم کرده‌ای، پس خانه‌ای برای اسم من بنا نخواهی کرد، چونکه به حضور من بسیار خون بر زمین ریخته‌ای.

۹ اینک پسری برای تو متولد خواهد شد که مرد آرامی خواهد بود زیرا که من او را از جمیع دشمنانش از هر طرف آرامی خواهم بخشید، چونکه اسم او سلیمان خواهد بود در ایام او اسرائیل را سلامتی و راحت عطا خواهم فرمود.

۱۰ او خانه‌ای برای اسم من بنا خواهد کرد و او پسر من خواهد بود و من پدر او خواهم بود. و گرسی سلطنت او را بر اسرائیل تا ابد الآباد پایدار خواهم گردانید.

۱۱ پس حال ای پسر من خداوند همراه تو باد تا کامیاب شوی و خانه یهوه خدای خود را چنانکه در باره تو فرموده است بنا نمایی.

۱۲ اما خداوند تو را فطانت و فهم عطا فرماید و تو را در باره اسرائیل وصیت نماید تا شریعت یهوه خدای خود را نگاه داری.

۱۳ آنگاه اگر متوجه شده، فریاض و احکامی را که خداوند به موسی در باره اسرائیل امر فرموده است، به عمل آوری کامیاب خواهی شد. پس قوی دلیر باش و ترسان و هراسان مشو.

۱۴ و اینک من در تنگی خود صد هزار و زنه طلا و صد هزار و زنه نقره و برنج و آهن اینقدر

زیاده که به وزن نیاید، برای خانه خداوند حاضر کرده ام، و چوب و سنگ نیز می‌ساخته ام و تو بر آنها مزید کن.

۱۵ و نزد تو عمه بسیارند، از سنگ بران و سنگ تراشان و نجاران و اشخاص هنرمند برای هر صنعتی.

۱۶ طلا و نقره و برنج و آهن بیشمار است پس بر خیز و مشغول باش و خداوند همراه تو باد.»

و داود تمامی سروران اسرائیل را امر فرمود که پسرش سلیمان را اعانت نمایند.

۱۸) و گفت: «آیا یهوه خدای شما با شما نیست و آیا شمار از هر طرف آرامی نداده است؟ زیرا ساکنان زمین را به دست من تسلیم کرده است و زمین به حضور خداوند و به حضور قوم او مغلوب شده است.

۱۹ پس حال دلها و جانهای خود را متوجه سازید تا یهوه خدای خویش را بطلبید و برخاسته، مقدس یهوه خدای خویش را بنا نماید تا تابوت عهد خداوند و آلات مقدس خدا را به خانه ای که به جهت اسم یهوه بنا می شود در آورید.»

لاویان

و چون داود پیر و سالخورده شد، پسر خود سلیمان را به پادشاهی اسرائیل نصب نمود.

۲ و تمامی سروران اسرائیل و کاهنان و لاویان را جمع کرد.

۳ و لاویان از سی ساله و بالا تر شمرده شدند و عدد ایشان بر حسب سرهای مردان ایشان، سی و هشت هزار بود.

۴ از ایشان بیست و چهار هزار به جهت نظارت عمل خانه خداوند و شش هزار سروران و داوران بودند.

۵ و چهار هزار در بانان و چهار هزار نفر بودند که خداوند را به آلاتی که به جهت تسبیح ساخته شد، تسبیح خواندند.

۶ و داود ایشان را بر حسب پسران لاوی یعنی جرشون و قهات و مراری به فرقه ها تقسیم نمود.

- از جر شونیان لعدان و شمعی.
- ۸ پسران لعدان اول یحییئیل و زیتام و سومین یوئیل.
- ۹ پسران شمعی شلومیت و حزئیئیل و هاران سه نفر. اینان رؤسای خاندانهای آباي لعدان بودند.
- ۱۰ و پسران شمعی یحیی و زینا و یعوش و بریعه. اینان چهار پسر شمعی بودند.
- ۱۱ و یحیی اولین و زیزاد و مین و یعوش و بریعه پسران بسیار نداشتند؛ از این سبب یک خاندان آبا از ایشان شمرده شد.
- ۱۲ پسران قهات عمرام و یصهار و حبرون و عزئیئیل چهار نفر.
- ۱۳ پسران عمرام هارون و موسی و هارون ممتاز شد تا او و پسرانش قدس الاقداس را پیوسته تقدیس نمایند و به حضور خداوند بخور بسوزانند و او را خدمت نمایند و به اسم او همیشه اوقات برکت دهند.
- ۱۴ و پسران موسی مرد خدا با سبط لای نامیده شدند.
- ۱۵ پسران موسی جر شوم و العازار.
- ۱۶ از پسران جر شوم شبوئیل رئیس بود.
- ۱۷ و از پسران العازار رحیبیار رئیس بود و العازار را پسر دیگر نبود؛ اما پسران رحیبیا بسیار زیاد بودند.
- ۱۸ از پسران یصهار شلومیت رئیس بود.
- ۱۹ پسران حبرون، اولین بریاود و مین امر یا و سومین یحزئیئیل و چهارمین یقمعام.
- ۲۰ پسران عزئیئیل اولین میکاود و مین یشیا.
- ۲۱ پسران مراری محلی و موئی و پسران محلی العازار و قیس.
- ۲۲ و العازار مرد دوار پسر نبود؛ لیکن دختران داشت و برادران ایشان پسران قیس ایشان را به زنی گرفتند.

- ۲۳ پسران موشی محلی و عادر و یریموت سه نفر بودند.
- ۲۴ اینان پسران لاوی موافق خاندانهای آبی خود و رؤسای خاندانهای آبا از آنانی که شمرده شدند بر حسب شماره اسمای سرهای خود بودند که از بیست ساله و بالا تر در عمل خدمت خانه خداوند می پرداختند.
- ۲۵ زیرا که داود گفت: «یهوه خدای اسرائیل قوم خویش را آرامی داده است و او در اورشلم تا به ابد ساکن می باشد.
- ۲۶ و نیز لاویان را دیگر لازم نیست که مسکن و همه اسباب خدمت را بردارند.»
- لذا بر حسب فرمان آخر داود پسران لاوی از بیست ساله و بالا تر شمرده شدند.
- ۲۸ زیرا که منصب ایشان به طرف بنی هارون بود تا خانه خداوند را خدمت نمایند، در صحن ها و حجره ها و برای تطهیر همه چیزهای مقدس و عمل خدمت خانه خدا.
- ۲۹ و برنان تقدیمه و آرد نرم به جهت هدیه آردی و قرصهای فطیر و آنچه بر ساج پخته می شود و رُبیکه ها و بر همه یکپها و وزنها.
- ۳۰ و تا هر صبح برای تسبیح و حمد خداوند حاضر شوند و همچنین هر شام.
- ۳۱ و به جهت گذرانیدن همه قربانی های سوختنی برای خداوند در هر روز سبت و غزه ها و عیدها بر حسب شماره و بر وفق قانون آنها دائماً به حضور خداوند.
- ۳۲ و برای نگاه داشتن وظیفه خیمه اجتماع و وظیفه قدس و وظیفه برادران خود بنی هارون در خدمت خانه خداوند.

فرقه های کهنات

- و این است فرقه های بنی هارون: پسران هارون، ناداب و ابیهو و العازار و ایتامار.
- ۲ ناداب و ابیهو قبل از پدر خود مُردند و پسری نداشتند، پس العازار و ایتامار به کهنات پرداختند.
- ۳ و داود با صادق که از بنی العازار بود و اخیملک که از بنی ایتامار بود،
- و از پسران العازار مردانی که قابل ریاست بودند، زیاده از بنی ایتامار یافت شدند. پس

شانزده رئیس خاندان آبا زبني العازار وهشت رئیس خاندان آبا زبني ایتامار معین ایشان را بر حسب وکالت ایشان بر خدمت ایشان تقسیم کردند.

۵ پس ایتان با آنان به حسب قرعه معین شدند زیرا که رؤسای قدس و رؤسای خانه خدا هم از بني العازار و هم از بني ایتامار بودند.

۶ و شمعیان بن تنئیل کاتب که از بني لاوی بود، اسمهای ایشان را به حضور پادشاه و سروران و صادق کاهن و اخیملک بن ایاتار و رؤسای خاندان آبا کاهنان و لویان نوشت و یک خاندان آبا به جهت العازار گرفته شد و یک به جهت ایتامار گرفته شد.

۷ و قرعه اول برای یهویاریب بیرون آمد و دوم برای یدعیا،

و سوم برای حاریم و چهارم برای سعوریم،

و پنجم برای ملکیه و ششم برای میامین،

و هفتم برای هقوص و هشتم برای آبیا،

و نهم برای یسوع و دهم برای شگنیا،

و یازدهم برای الیاشیب و دوازدهم برای یاقیم،

و سیزدهم برای حقه و چهاردهم برای یشبآب،

و پانزدهم برای بلجه و شانزدهم برای امیر،

و هفدهم برای حینر و هجدهم برای هفصیص،

و نوزدهم برای فتحیا و بیستم برای یحزقیئیل،

و بیست و یکم برای یاکین و بیست و دوم برای جامول،

و بیست و سوم برای دلا یا و بیست و چهارم برای معزیا.

۱۹ پس این است و وظیفه ها و خدمت های ایشان به جهت داخل شدن در خانه خدا و نند

بر حسب قانونی که به واسطه پدر ایشان هارون موافق فرمان یهوه خدای اسرائیل به ایشان داده شد.

بقیه لاویان

وامادر باره بقیه بنی لاوی، از بنی عمّام شوبائیل و از بنی شوبائیل یحّدیا.

۲۱ و اما رحبیا. از بنی رحبیا ایشیا رئیس،

و از بنی یصهار شلو موت و از بنی شلو موت یحّت.

۲۳ و از بنی حبرون بریا و دو مین امریا و سومین یحزئیل و چهارمین یقمعام.

۲۴ از بنی عرّیئیل میکا و از بنی میکاشامیر.

۲۵ و برادر میکا ایشیا و از بنی ایشیا زکریا.

۲۶ و از بنی مراری محلی و موثی و پسر یعز یا بنو.

۲۷ و از بنی مراری پسران یعز یا بنو شوهم و زکور و عبری.

۲۸ و پسر محلی العازار و اورا فرزند ی نبود.

۲۹ و اما قیس، از بنی قیس برحمیئیل،

و از بنی موثی محلی و عادر و بریموت. اینان بر حسب خاندان آبی ایشان بنی لاوی می باشند.

۳۱ ایشان نیز مثل برادران خود بنی هارون به حضور داود پادشاه و صادق و آخیملک

و رؤسای آبی کهنه و لاویان قرعه انداختند یعنی خاندانهای آبی برادر بزرگتر برابر خاندانهای کوچکتر بودند.

نوازندگان

و داود و سرداران لشکر بعضی از پسران آساف و هیمان وید و تون را به جهت خدمت جدا ساختند تا با بربط و عود و سنج نبوت نمایند؛ و شماره آنانی که بر حسب خدمت خود به کاری پرداختند این است:

و اما از بنی آساف، زکور و یوسف و نتنیا و اشریله پسران آساف زیر حکم آساف بودند

که بر حسب فرمان پادشاه نبوت می نمود.

- ۳ وازیدوتون، پسران یدوتون جدلیا و صری و اشعیا و حشبیا و متیاشش نفر زیر حکم پدر خویش یدوتون بابر بطنها بودند که با حمد و تسبیح خداوند نبوت می نمود.
- ۴ واز هیمان، پسران هیمان بقیا و متنیا و عزریئیل و شبوئیل و یریموت و حنیا و حنانی و آلیآته و جدلای و رومتی عزرویش بقاشه و ملوئی و هوئیر و محزیوت.
- ۵ جمیع اینها پسران هیمان بودند که در کلام خدا به جهت برافراشتن بوق رای پادشاه بود. و خدا به هیمان چهارده پسر و سه دختر داد
- جمیع اینها زیر فرمان پدران خویش بودند تا در خانه خداوند باسنج و عود و در بطن بسرایند و زیر دست پادشاه و آساف و یدوتون و هیمان به خدمت خانه خدا بپردازند.
- ۷ و شماره ایشان با برادران ایشان که سرآیدن را به جهت خداوند آموخته بودند، یعنی همه کسان ماهر دو بیست و هشتاد و هشت نفر بودند.
- ۸ و برای وظیفه های خود کوچک بازرگ و معلم با تلهید علی السویه قرعه انداختند.
- ۹ پس قرعه اول بنی آساف برای یوسف بیرون آمد. و قرعه دوم برای جدلیا و او برادرانش و پسرانش دوازده نفر بودند.
- ۱۰ و سوم برای زکور و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۱۱ و چهارم برای بصری و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۱۲ و پنجم برای نتنیا و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۱۳ و ششم برای بقیا و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۱۴ و هفتم برای بشرئیل و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۱۵ و هشتم برای اشعیا و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۱۶ نهم برای متنیا و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۱۷ و دهم برای شمعی و پسران او و برادران او دوازده نفر.
- ۱۸ و یازدهم برای عزریئیل و پسران و برادران او دوازده نفر.

- ۱۹ و دوازدهم برای حَشَبِیَا و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۲۰ و سیزدهم برای شُوبَائِیل و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۲۱ و چهاردهم برای مَتَّبِیَا و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۲۲ و پانزدهم برای یریموت و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۲۳ و شانزدهم برای حَنَیَا و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۲۴ و هفدهم برای یَشَبَقَاشَه و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۲۵ و هجدهم برای حَنَانِی و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۲۶ و نوزدهم برای مَلُوتِی و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۲۷ و بیستم برای اِیلِیَّاتَه و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۲۸ و بیست و یکم برای هُوْتِیر و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۲۹ و بیست و دوم برای جِدَلَّتِی و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۳۰ و بیست و سوم برای مَحْزِیوت و پسران و برادران او دوازده نفر.
- ۳۱ و بیست و چهارم برای رُومِئِی عَزْر و پسران و برادران او دوازده نفر.

فرقه‌های دربانان

- و اما فرقه‌های دربانان: پس از قُور حیان مَشَلَمِیا بن قُورِی که از بنی آساف بود.
- ۲ و مَشَلَمِیا را پسران بود. نخست زاده اش زکریا و دوم یدیعئیل و سوم زَبَدِیا و چهارم یتنئیل.
- ۳ و پنجم عیلام و ششم یهو حانان و هفتم اَلِیْهُوعِینای.
- ۴ و عُوْبِیداد و مَر اِپسران بود: نخست زاده اش، شَمَعِیا و دوم یهُوزاباد و سوم یوآخ و چهارم سا کار و پنجم تَننَّییل.
- ۵ و ششم عَمِیئیل و هفتم یَسا کار و هشتم فَعَلتای زیرا خدا او را برکت داده بود.

- ۶ و برای پسرش شَمْعِیَ پسرانی که بر خاندان آباي خویش تسلط یافتند، زاییده شدند زیرا که ایشان مردان قوی شجاع بودند.
- ۷ پسران شَمْعِیَ عُنَی و رَفَائِل و عُوْبید و اَلزَّاباد که برادران او مردان شجاع بودند و اَلهُو و سَمِکَا.
- ۸ جمیع اینها زبني عُوْبید اَدوم بودند و ایشان با پسران و برادران ایشان در قوتِ خدمت مردان قابل بودند یعنی شصت و دو نفر (ز اولادِ عُوْبید اَدوم).
- ۹ و مَشَلْهَیَا هجده نفر مردان قابل از پسران و برادران خود داشت.
- ۱۰ و حُوسَه که از بَنی مَراری بود پسران داشت که شَمْرِی رئیس ایشان بود زیرا اگر چه نخست زاده نبود، پدرش او را رئیس ساخت.
- ۱۱ و دوم حَلْقِیَا و سوم طَبْلِیَا و چهارم زَکْرِیَا و جمیع پسران و برادران حُوسَه سیزده نفر بودند.
- ۱۲ و به اینان یعنی به رؤسای ایشان فرقه‌های در بانان داده شد و وظیفه‌های ایشان مثل برادران ایشان بود تا در خانه خداوند خدمت نمایند.
- ۱۳ و ایشان از کوچک و بزرگ بر حسب خاندان آباي خویش برای هر دوازده قرعه انداختند.
- ۱۴ و قرعه شرقی به شَلْهَیَا افتاد و بعد از او برای پسرش زَکْرِیَا که مُشیرِ دانا بود، قرعه انداختند و قرعه او به سمت شمال بیرون آمد.
- ۱۵ و برای عُوْبید اَدوم (رعه) جنوبی و برای پسرانش (رعه) بیت المال.
- ۱۶ و برای شَقِیم و حُوسَه قرعه مغربی نزد دروازه شَلْگَت در جاده‌ای که سر بالایی رفت و محرس این مقابل محرس آن بود.
- ۱۷ و به طرف شرقی شش نفر از لایان بودند و به طرف شمال هر روزه چهار نفر و به طرف جنوب هر روزه چهار نفر و نزد بیت المال جفت جفت.
- ۱۸ و به طرف غربی فروار برای جاده سر بالا چهار نفر و برای فروار و نفر.
- ۱۹ اینها فرقه‌های در بانان از بَنی قُورَح و از بَنی مَراری بودند.

خزانه داران و بقیه مقامات

- واما از لاویان اخیابرخزانه خانه خدا و بر خزانه موقوفات بود.
- ۲۱ و اما بنی لادان: از پسران لادان جرشونی رؤسای خاندان آبی لادان یحییلی جرشونی،
 ۲۲ پسران یحییلی زیتام و برادرش یوئیل بر خزانه خانه خدا و ند بودند.
- ۲۳ از عمرامیان و از یصهاریان و از حبرونیان و از عزریئیلیان.
- ۲۴ و شبوئیل بن جرشوم بن موسی ناظر خزانه ها بود.
- ۲۵ و از برادرانش بنی العازار، پسرش رحبیا و پسرش اشعیا و پسرش یورام و پسرش
 زکری و پسرش سلومیت.
- ۲۶ این سلومیت و برادرانش بر جمیع خزائن موقوفاتی که داود پادشاه وقف کرده بود
 و رؤسای آبا و رؤسای هزاره ها و صده ها و سرداران لشکر بودند.
- ۲۷ از جنگها و غنیمت ها وقف کردند تا خانه خدا و ندرت تعمیر نمایند.
- ۲۸ و هر آنچه سموئیل رای و شاؤل بن قیس و ابن بن نیر و یوآب بن صرویه وقف کرده
 بودند و هر چه هر کس وقف کرده بود زیر دست سلومیت و برادرانش بود.
- ۲۹ و از یصهاریان کننیا و پسرانش برای اعمال خارجه اسرائیل صاحبان منصب و داوران
 بودند.
- ۳۰ و از حبرونیان حشبیا و برادرانش هزار و هفتصد نفر مردان شجاع به آن طرف اُردُن
 به سمت مغرب به جهت هر کار خداوند و به جهت خدمت پادشاه بر اسرائیل گماشته شده
 بودند.
- ۳۱ از حبرونیان: بر حسب انساب آبی ایشان پریارئیس حبرونیان بود و در سال چهلم
 سلطنت داود طلیده شدند و در میان ایشان مردان شجاع در یعزیر جلعا دیافت شدند.
- ۳۲ و از برادرانش دو هزار و هفتصد مرد شجاع و رئیس آبا بودند. پس داود پادشاه
 ایشان را بر روی بنیان و جادیان و نصف سبط منسی برای همه امور خدا و امور پادشاه گماشت.

رؤسای لشکر

- و از بنی اسرائیل بر حسب شماره ایشان از رؤسای آبا و رؤسای هزاره و صده و صاحبان منصب که پادشاه را در همه امور فرقه‌های داخله و خارجه ماه به ماه در همه ماه‌های سال خدمت می‌کردند، هر فرقه بیست و چهار هزار نفر بودند.
- ۲ و بر فرقه اول برای ماه اول یسبعام بن زبديئیل بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.
- ۳ او از سران فارص رئیس جمیع رؤسای لشکر، به جهت ماه اول بود.
- ۴ و بر فرقه ماه دوم دودای اخوخی و از فرقه او مقلوت رئیس بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.
- ۵ و رئیس لشکر سوم برای ماه سوم بنایا بن یهو یاداع کاهن بزرگ بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.
- ۶ این همان بنایا است که در میان آن‌سی نفر بزرگ بود و بر آن‌سی نفر برتری داشت و از فرقه او پسرش عمیرا باد بود.
- ۷ و رئیس چهارم برای ماه چهارم عسائیل برادر یوآب و بعد از او برادرش زبديا بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.
- ۸ و رئیس پنجم برای ماه پنجم شمهوت یزراحی بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.
- ۹ و رئیس ششم برای ماه ششم عیرا بن عقیش تقوعی بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.
- ۱۰ و رئیس هفتم برای ماه هفتم حالص فلونی از بنی افرایم بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.
- ۱۱ و رئیس هشتم برای ماه هشتم سبکای حوشاتی از زارحیان بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.
- ۱۲ و رئیس نهم برای ماه نهم ابیعزر عناتوتی از بنی بنیامین بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.
- ۱۳ و رئیس دهم برای ماه دهم مه‌رای نطوفاتی از زارحیان بود و در فرقه او بیست و

چهار هزار نفر بودند.

۱۴ و رئیس یازدهم برای ماه یازدهم بنیای فرعون از بنی افرایم بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.

۱۵ و رئیس دوازدهم برای ماه دوازدهم خدای نطوفاتی از بنی عتینیل و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.

رؤسای اسباط

و امارؤسای اسباط بنی اسرائیل: رئیس رؤیینان العازار بن زکری، و رئیس شمعونیان شفتیابن معکه.

۱۷ و رئیس لویان عشبیا بن قوئیل و رئیس بنی هارون صادق.

۱۸ و رئیس یهودا الیهو از برادران داود و رئیس یساکار عمری بن میکائیل.

۱۹ و رئیس زبولون یشمعیان بن عوبدیا و رئیس نفتالی ریموت بن عزریئیل.

۲۰ و رئیس بنی افرایم هوشع بن عزریا و رئیس نصف سبط منسی یوئیل بن فدایا.

۲۱ و رئیس نصف سبط منسی در جلعادید و ابن زکریا و رئیس بنیامین یعیسیئیل بن ابئیر.

۲۲ و رئیس دان عزریئیل بن بروحام. اینهارؤسای اسباط اسرائیل بودند.

۲۳ و داود شماره کسانی که بیست ساله و کمتر بودند، نگرفت زیرا خداوند وعده داده بود که اسرائیل را مثل ستارگان آسمان کثیر گرداند.

۲۴ و یوآب بن صروه آغاز شمردن نمود، اما به اتمام نرسانید و از این جهت غضب بر اسرائیل وارد شد و شماره آنها در دفتر اخبار ایام پادشاه ثبت نشد.

ناظران پادشاه

و ناظرانبارهای پادشاه عزرموت بن عدیئیل بود و ناظرانبارهای مزرعه ها که در شهر ها و در دهات و در قلعه ها بود، یهوناتان بن عزریا بود.

۲۶ و ناظر عملجات مزرعه ها که کارزمین می کردند، عزری بن کلوب بود.

۲۷ و ناظر تا کستانها شعی راماتی بود و ناظر محصول تا کستانها و انبارهای شراب زبدي

شَفَمَاتِي بود.

۲۸ وناظر درختان زیتون و افراغ که در همواری بود بعل حانانِ جدیری بود و ناظر انبارهای روغن یوآش بود.

۲۹ وناظر رمه‌هایی که در شارون می‌چریدند شطرای شارونی بود. و ناظر رمه‌هایی که در وادیها بودند شافاط بن عدلایی بود.

۳۰ وناظر شتران عوبیل اسمعیلی بود و ناظر الاغها یحیدیای میرونوتی بود.

۳۱ وناظر گلگه‌های ایزها جری بود. جمیع اینان ناظران اندوخته‌های داود پادشاه بودند.

۳۲ ویهوناتان عموی داود مشیر و مرددانا و فقیه بود و یحیئیل بن حکمونی همراه پسران پادشاه بود.

۳۳ اخیئوفل مشیر پادشاه و حوشای آرکی دوست پادشاه بود.

۳۴ و بعد از اخیئوفل یهویاداع بن بنایا و ابیاتا بودند و سردار لشکر پادشاه یوآب بود.

طرح داود برای خانه خدا

و داود جمیع رؤسای اسرائیل را از رؤسای اسباط و رؤسای فرقه‌هایی که پادشاه را خدمت می‌کردند و رؤسای هزاره و رؤسای صده و ناظران همه اندوخته‌ها و اموال پادشاه و پسرانش را با خواجگه سربان و شجاعان و جمیع مردان جنگی در اورشلیم جمع کرد.

۲ پس داود پادشاه بر پالیستاده، گفت: «ای برادرانم و ای قوم من! مرا بشنوید! من اراده داشتم خانه‌ای که آرامگاه تابوت عهد خداوند و پایی انداز پایهای خدای ماباشد بنا نمایم، و برای بنای آن تدارک دیده بودم.

۳ لیکن خدا مرا گفت: تو خانه‌ای به جهت اسم من بنا نخواهی نمود، زیرا مرد جنگی هستی و خون ریخته‌ای.

۴ لیکن یهوه خدای اسرائیل مرا از تمامی خاندان پدرم برگزیده است که بر اسرائیل تا ابد پادشاه بشوم، زیرا که یهودا را برای ریاست اختیار کرد و از خاندان یهودا خاندان

پدر مرا و از فرزندان پدرم مر ا پسند کرد تا مرا بر تمامی اسرائیل به پادشاهی نصب نماید. ۵ و از جمیع پسران من (پسر م سلیمان را برگزیده است تا بر کرسی سلطنت خداوند بر اسرائیل بنشیند.

۶ و به من گفت: پسر تو سلیمان، او است که خانه مرا و صحن های مرا بنا خواهد نمود، زیرا که او را برگزیده ام تا پسر من باشد و من پدر او خواهم بود.

۷ و اگر او به جهت بجا آوردن فریض و احکام من مثل امر و زنا ثابت بماند، آنگاه سلطنت او را تا به ابد استوار خواهم گردانید.

۸ پس الآن در نظر تمامی اسرائیل که جماعت خداوند هستند و به سمع خدای مام توجه شده، تمامی او امری بیهوده خدای خود را بطلیبید تا این زمین نیکو را به تصرف آورده، آن را بعد از خودتان به پسران خویش تا به ابد به ارثیت واگذارید.

۹ «و تو ای پسر من سلیمان خدای پدر خود را بشناس و او را به دل کامل و به ارادت تمام عبادت نماز زیرا خداوند همه دههارتفتیش می نماید و هر تصور فکرها را در اک می کند؛ و اگر او را طلب نمایی، او را خواهی یافت؛ اما اگر او را ترک کنی، تو را تا به ابد دور خواهد انداخت.

۱۰ حال با حذر باش زیرا خداوند تو را برگزیده است تا به خانه ای به جهت مقدس او بنا نمایی. پس قوی شده، مشغول باش.»

و داود به پسر خود سلیمان نمونه رواق و خانه ها و خزاین و بالا خانه ها و حجره های اندرونی آن و خانه کرسی رحمت،

و نمونه هر آنچه را که از روح به او داده شده بود، برای صحن های خانه خداوند و برای همه حجره های گرداگردش و برای خزاین خانه خدا و خزاین موقوفات داد.

۱۳ و برای فرقه های کاهنان و لویان و برای تمامی کار خدمت خانه خداوند و برای همه اسباب خدمت خانه خداوند.

۱۴ و از طلا به وزن برای همه آلات طلا به جهت هر نوع خدمتی و از نقره به وزن برای همه آلات نقره به جهت هر نوع خدمتی.

۱۵ و طلا رابه وزن به جهت شمعدانهای طلا و چراغهای آنها به جهت هر شمعدان و چراغهایش، آن رابه وزن داد و برای شمعدانهای نقره نیز نقره رابه وزن به جهت هر چراغدان موافق کار هر شمعدان و چراغهای آن.

۱۶ و طلا رابه وزن به جهت میزهای نان تقدّمه برای هر میز علیحده و نقره را برای میزهای نقره.

۱۷ و زر خالص را برای چنگالها و کاسها و پیاله ها و به جهت طاسهای طلا موافق وزن هر طاس و به جهت طاسهای نقره موافق وزن هر طاس.

۱۸ و طلای مصفی رابه وزن به جهت مذبح بخور و طلا رابه جهت نمونه مرکب کروبیان که بالهای خود را پهن کرده، تا بوقت عهد خداوند را می پوشانیدند.
۱۹ (داود گفت: «داوند این همه را یعنی تمامی کارهای این نمونه را از نوشته دست خود که بر من بوده من فهمانید.»

و داود به پسر خود سلیمان گفت: «قوی و دلیر باش و مشغول شو و ترسان و هراسان مباش، زیرا یهوه خدا که خدای من می باشد، با تو است و تا همه کار خدمت خانه خداوند تمام نشود، تو را و نخواهد گذاشت و تو را ترک نخواهد نمود.
۲۱ اینک فرقه های کاهنان و لایان برای تمام خدمت خانه خدا) اضرند (و برای هر گونه عمل همه کسان دلگرم که برای هر صنعتی مهارت دارند، با تو هستند و سروران و تمامی قوم مطیع کامل او امر تومی باشند.»

هدایا برای خانه خدا

و داود پادشاه به تمامی جماعت گفت: «سرم سلیمان که خدا او را به تنهایی برای خود برگزیده، جوان و لطیف است و این مهم عظیمی است زیرا که هیکل به جهت انسان نیست بلکه برای یهوه خدا است.

۲ و من به جهت خانه خدای خود به تمامی قوم تدارک دیده ام، طلا رابه جهت چیزهای طلایی و نقره را برای چیزهای نقره ای و برنج رابه جهت چیزهای برنجین و آهن را برای چیزهای آهنین و چوب رابه جهت چیزهای چوبین و سنگ را جزع و سنگهای ترصیع

و سنگهای سیاه و سنگهای رنگارنگ و هر قسم سنگ گرانها و سنگ مرمر فراوان،
 ۳ و نیز چونکه به خانه خدای خود رغبت داشتم و طلا و نقره از اموال خاص خود داشتم،
 آن را علاوه بر هر آنچه به جهت خانه قدس تدارک دیدم برای برای خانه خدای خود دادم.
 ۴ یعنی سه هزار و نه طلا از طلای اُوفیرو هفت هزار و نه نقره خالص به جهت پوشانیدن
 دیوارهای خانه ها.

۵ طلا را به جهت چیزهای طلا و نقره را به جهت چیزهای نقره و به جهت تمامی کاری
 که به دست صنعتگران ساخته می شود. پس کیست که به خوشی دل خوشتر را
 امروز برای خداوند وقف نماید؟»

آنگاه رؤسای خاندانهای آبا و رؤسای اسباط اسرائیل و سرداران هزاره و صدها با ناظران
 کارهای پادشاه به خوشی دل هدایا آوردند.

۷ و به جهت خدمت خانه خدا پنج هزار و نه و ده هزار درهم طلا و ده هزار و نه نقره
 و هجده هزار و نه برنج و صد هزار و نه آهن دادند.

۸ و هر کس که سنگهای گرانها نزد او یافت شد، آنها را به خزانه خانه خداوند به دست
 یحیییل جرشونی داد.

۹ آنگاه قوم از آن رو که به خوشی دل هدیه آورده بودند شاد شدند زیرا به دل کامل هدایای
 تبرّعی برای خداوند آوردند و او پادشاه نیز بسیار شاد و مسرور شد.

۱۰ و داود به حضور تمامی جماعت خداوند را متبارک خواند و داود گفت: «ای پوه
 خدای پدر ما اسرائیل تو از ازل تا به ابد متبارک هستی.

۱۱ و ای خداوند عظمت و جبروت و جلال و قوت و کبریا از آن تو است زیرا هر چه
 در آسمان و زمین است از آن تومی باشد. و ای خداوند ملکوت از آن تو است و تو بر
 همه سر و متعال هستی.

۱۲ و دولت از تومی آید و تو بر همه حاکمی، و کبریا و جبروت در دست تو است و عظمت
 دادن و قوت بخشیدن به همه کس در دست تو است.

۱۳ و الآن ای خدای ماتورا احمد می گویم و اسم مجید تورا تسبیح می خوانیم.

۱۴ لیکن من کیستم و قوم من کیستند که قابلیت داشته باشیم که به خوشی دل اینطور هدایا بیاوریم؟ زیرا که همه این چیزها از آن تو است و از دست توبه توداده ایم.

۱۵ زیرا که ما مثل همه اجداد خود به حضور تو غریب و نزیل می‌باشیم و ایام ما بر زمین مثل سایه است و هیچ دوام ندارد.

۱۶ ای یهوه خدای ما تمامی این اموال که به جهت ساختن خانه برای اسم قدوس تو می‌بیا ساخته ایم، از دست تو و تمامی آن از آن تومی باشد.

۱۷ و می‌دانم ای خدایم که دلهارامی آزمایی و استقامت را دوست می‌داری و من به استقامت دل خود همه این چیزها را به خوشی دادم و الآن قوم تو را که اینجا حاضر ندیدم که به شادمانی و خوشی دل هدایا برای تو آوردند.

۱۸ ای یهوه خدای پدران ما ابراهیم و اسحاق و اسرائیل این را همیشه در تصور فکری داری
دل قوم خود نگاه دار و دل‌های ایشان را به سوی خود ثابت گردان.

۱۹ و به پسر من سلیمان دل کامل عطا فرماتا و امر و شهادت و فریض تو را نگاه دارد،
و جمیع این کارها را به عمل آورد و هیکل را که من برای آن تدارک دیدم بنا نماید.»

سلطنت سلیمان

پس داود به تمامی جماعت گفت: «یهوه خدای خود را متبارک خوانید.» و تمامی جماعت
یهوه خدای پدران خویش را متبارک خوانده، به رو افتاده، خداوند را سجده کردند و
پادشاه را تعظیم نمودند.

۲۱ و در فردای آن روز برای خداوند ذبایح ذبح کردند و قربانی‌های سوختنی برای خداوند
گذرانیدند یعنی هزار گاو و هزار قوچ و هزار بره با هدایای ریختنی و ذبایح بسیار به جهت
تمامی اسرائیل.

۲۲ و در آن روز به حضور خداوند به شادی عظیم اکل و شرب نمودند، و سلیمان پسر
داود را دوباره به پادشاهی نصب نموده، او را به حضور خداوند به ریاست و صادق
را به کهنات مسح نمودند.

- ۲۳ پس سلیمان بر کسبی خداوند نشست، به جای پدرش داود پادشاهی کرد و کامیاب شد و تمامی اسرائیل او را اطاعت کردند.
- ۲۴ و جمیع سروران و شجاعان و همه پسران داود پادشاه نیز مطیع سلیمان پادشاه شدند.
- ۲۵ و خداوند سلیمان را در نظر تمام اسرائیل بسیار بزرگ گردانید و او را جلالی شاهانه داد که به هیچ پادشاه اسرائیل قبل از او داده نشده بود.
- ۲۶ پس داود بن یسوی بر تمامی اسرائیل سلطنت نمود.
- ۲۷ و مدت سلطنت او بر اسرائیل چهل سال بود، اما در حَبْرُون هفت سال سلطنت کرد و در اورشلیم سی و سه سال پادشاهی کرد.
- ۲۸ و در پیری نیکو از عمر و دولت و حشمت سیر شده، وفات نمود و پسرش سلیمان به جایش پادشاه شد.
- ۲۹ و اینک امورا و ل و آخر داود پادشاه در سفر اخبار سموئیل رابی و اخبار ناتان نبی و اخبار جاد رابی،
- با تمامی سلطنت و جبروت او و روزگاری که بروی و بر اسرائیل و بر جمیع ممالک آن اراضی گذشت، مکتوب است.

lxix

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f